

امام خمینی (ره) و برساخت هویت زنانه در انقلاب اسلامی چگونگی و اساسی گفتمان پهلوی دوم و هژمونی معنایی امام خمینی (ره)

مسعود کوثری^۱، امیرعلی تفرشی^{۲*}، معصومه سادات علوی نکو^۳

چکیده

انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان ظهور و بروز یک تحول گفتمانی در جامعه ایران قابل شناسایی است. این انقلاب نه تنها در وضعیت جامعه ایران بیان‌گر تحولی گفتمانی و معنایی بود، بلکه در چارچوب گفتمان‌های جهانی نیز توانست ایجاد یک پیوند نشانه و معنای جدیدی را به منصفه ظهور گذارد؛ بدین گونه است که فوکو نیز از این انقلاب به‌منزله «روح یک جهان بی‌روح» نام می‌برد. پژوهش حاضر در راستای شناخت مشخصه‌های این تحول گفتمانی، به مطالعه مؤثرترین نظریه پرداز آن، یعنی امام خمینی (ره)، بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، اقدام کرده است. با توجه به لزوم ایجاد حدود و ثغور برای مطالعه تحلیل گفتمان، یکی از نظم‌های پرمناقشه گفتمانی، یعنی نظم گفتمانی هویت زنانه، برای مطالعه در این گفتمان انتخاب شد. در ادامه، با توجه به دید کلان‌نگر و ایجاد نقشه‌های انتزاعی از مفصل‌بندی‌های گفتمانی، توسط رویکرد لاکلا و موف، این نظریه و روش برای تحلیل گفتمان سخنان امام خمینی (ره) انتخاب شد. طبق یافته‌های به‌دست آمده، دال مرکزی این گفتمان «حفظ عفت و دینداری» است و با وجود همسانی نشانه‌ای بعضی از دال‌های این گفتمان با گفتمان‌های هژمونیک شده در دنیای غرب، مانند «فعالیت اجتماعی» و «آزادی»، اما همین دال‌ها نیز در حول محوریت «حفظ عفت و دینداری» در این گفتمان تعریف می‌شود و معنایی دیگر و متفاوت با گفتمان‌های رقیب از آن‌ها خلق می‌شود. این گفتمان، که در نزاعی آشکار با گفتمان پهلوی دوم ظهور پیدا می‌کند، به شکل جدی به‌واسازی گفتمان متخاصم خود می‌پردازد. گفتمان امام خمینی (ره)، گفتمان پهلوی را با «خارجی‌بودن»، «قائل به شیء بودن زنان»، «موافقت با فحشا» و «بالاخص به‌عنوان گفتمانی که «عفت و دینداری زن را در حاشیه قرار داده»، معرفی می‌کند و معتقد است گفتمان پهلوی با طرح شعارهایی چون «حرکت به سوی ترقی و پیشرفت»، «طرفداری از آزادی زنان»، «احترام برای زنان»، «برابری زنان و مردان» و «تمدن‌مدار بودن» تلاش دارد زنان را سوژه گفتمان خود کند.

کلیدواژه‌ها

امام خمینی، انقلاب اسلامی، تحلیل گفتمان، لاکلا و موف، هویت زنانه.

Mkousari@ut.ac.ir

Amiralitafreshi@gmail.com

M.alavineko@gmail.com

۱. دانشیار ارتباطات اجتماعی دانشگاه تهران

۲. دانشجوی دکتری تخصصی علوم ارتباطات اجتماعی دانشگاه تهران

۳. کارشناس ارشد علوم ارتباطات اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۸/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۴/۴

مقدمه و طرح مسئله

گفتمان‌ها همواره در پی نزاع بر سر تثبیت و هژمونیک‌کردن پیوندهای نشانه و معنایی خود هستند. در میانه نزاع در نظم‌های گفتمانی مختلف، یک گفتمان پیروز می‌شود و موفق به بست موقت معنایی خود می‌شود. این در واقع لحظه‌ای است که هژمونی معنای قبلی به حاشیه می‌رود. به محض این بست، واسازی دیگر گفتمان‌ها نسبت به این بست موقت جدید آغاز می‌شود؛ یعنی همان جایی که مقاومت ظهور می‌کند. در این پژوهش بنا داریم در هریک از این ساحت‌ها درگیر شویم و لحظه واسازی گفتمان پهلوی دوم در نظم گفتمانی هویت زنانه، توسط گفتمان امام خمینی (ره) و در بستر انقلاب اسلامی ایران، و در ادامه، تلاش امام خمینی (ره) برای بست و انسداد گفتمان خود در این نظم گفتمانی را درک کنیم.

این فهم لحظه واسازی و بست، علاوه بر درک فرایندهای گفتمانی در این نزاع، و اینکه چگونه میان دو گفتمان نزاع انجام گرفته است و هر گفتمان با چه اپیستمه‌ها، دال‌ها و استراتژی‌هایی سعی در تثبیت معنایی خود و بازنمایی گفتمان رقیب داشته است، به ما در فهم گفتمان هژمونیک‌شده زمان حال کمک می‌کند. این یافته خود اهمیت بسیاری در مطالعات گفتمانی، ناظر به گفتمان‌هایی دارد که در حال حاضر در پی ایجاد واسازی و به چالش کشیدن مفروضات بدیهی‌انگاشته‌شده جمهوری اسلامی‌اند.

از دیگر مسائل مهمی که این پژوهش بدان پاسخ می‌گوید، پرکردن خلأهای گفتمان‌شناسی در مطالعات پژوهشی است. هر محقق تحلیل گفتمان لازم است درکی از هویت‌های گفتمانی مختلف، همچون ۱. گفتمان‌های پیشینی (تاریخی) که در حال حاضر به نظم گفتمانی و معرفت بنیادین (اپیستمه) برای گفتمان‌های حال حاضر تبدیل شده‌اند^۱ یا ۲. گفتمان‌های رؤیت‌ناپذیر که به حسب نزاع گفتمانی به حاشیه رانده شده‌اند، ۳. و همین‌طور در سطح اهمیت دیگر، گفتمان‌های حاضر در نزاع گفتمانی داشته باشد. محقق تحلیل گفتمان باید درکی از چنین گفتمان‌هایی داشته باشد، تا بتواند با شناختی پیرامون تطورات معنایی جامعه خود، ریشه‌های گفتمان‌های حال حاضر را درک کند و بر حسب ارجاعات گفتمانی، بتواند ارتباطی میان گفتمان‌های پیش‌ساخته و گفتمان‌های حال حاضر جامعه برقرار کند. با توجه به مسائل یادشده، پژوهش حاضر برای پرکردن این خلأ گفتمان‌شناسی و همچنین درک لحظه واسازی و گسترش گفتمانی در مقطع انقلاب اسلامی ایران در حوزه هویت زنانه و همچنین فهم گفتمان امام خمینی در این نظم گفتمانی، به مطالعه سخنرانی‌ها و بیانات امام خمینی (ره) می‌پردازد. شایان ذکر است، انتخاب نظم گفتمانی هویت مطلوب زنانه بر اساس لزوم تحدید گفتمانی

۱. منظور گفتمان‌های تاریخی است که در موقعیت زمانی جغرافیایی پدیده مورد تحلیل پژوهش‌ها، به منزله ریشه و معانی نهانی آن گفتمان‌ها هستند.

در پژوهش و مشخص کردن حد و مرزهای گفتمان مطالعه‌شده در پژوهش انجام شده است. نظم گفتمانی «هویت مطلوب زنانه» یکی از حوزه‌های مهم قابل بررسی است. این نظم گفتمانی محل مناقشه بسیاری از گفتمان‌ها در تثبیت معانی خود در آن حوزه است.

مرور تجربی

قاسمی و دیگران [۱۱] در تحقیقی به مطالعه تأثیر عفاف در قدرت‌یابی زنان در جامعه سیاسی ایران پرداخته‌اند. پژوهش‌گران این مقاله اظهار می‌دارند از دیدگاه امام خمینی، زن در عصر پهلوی شیءمانند بوده، اما بعد از انقلاب زنان تابع حضرت فاطمه(س) شده و مکتب فرهنگی اسلام را رواج داده‌اند و به برکت نهضت اسلام زن عضوی فعال در جامعه شده و تا حدودی مقام خود را یافته است. پژوهش مذکور، که با روش تحلیلی-توصیفی انجام شده است، نشان می‌دهد که عفاف و حجاب بانوان نه تنها مانعی برای حضورشان در اجتماع نیست، بلکه زنان با حفظ عفاف و با پایبندی به آموزه‌های دینی و بهره‌گیری از سیره بزرگان دین، به‌ویژه امام خمینی(ره)، به‌عنوان عنصری تأثیرگذار در جریان روبه‌رشد انقلاب اسلامی نقش ایفا می‌کنند.

قمصری و صادقی [۱۹] در پژوهشی دیگر تلاش دارند نشان دهند که جنسیت به‌عنوان یک برساخته گفتمانی چگونه در سرمایه کلامی امام خمینی(ره) به گونه‌ای متفاوت از گفتمان‌های سنتی و مدرنیزاسیون دوران پیش از انقلاب، مرزهای مألوف و تعیین‌کننده هویت‌های زنانه/مردانه را تثبیت یا متحول کرده است. آن‌ها دریافته‌اند که زن در کلام امام خمینی(ره) در پیوند با مقولاتی چون ارزش‌های اسلامی، انسانیت، آزادی، برابری، شجاعت، حق و حتی تکلیف مشارکت در تعیین سرنوشت خود و... برخلاف دو نظام معنایی سنتی و مدرن، به‌عنوان سوژه‌ای فعال، آگاه، انتخاب‌گر و مسئول ساخته شده است. نه در مقابل، بلکه در کنار مرد و نه در عرصه‌ای خاص، که در همه شئون زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی عهده‌دار وظیفه ساخت و حفاظت از نظم سیاسی مبتنی بر اسلام و ارزش‌های الهی آن معرفی می‌شود.

فوزی [۱۰] در مقاله‌ای به مسئله زنان و حکومت دینی در ایران پرداخته و پیامدهای گفتمان انقلاب اسلامی در مورد جایگاه سیاسی-اجتماعی زنان در ایران را بررسی کرده است. فوزی این‌گونه تحلیل می‌کند که در آستانه قرن بیستم و انقلاب مشروطه در ایران، گفتمان جدیدی در مورد زنان با تأثیرپذیری از مدرنیسم مطرح شد. این گفتمان در دوران حکومت پهلوی، گفتمان مسلط در عرصه مطالعات زنان محسوب می‌شد و در چارچوب مبانی نظری خود به تعریف جایگاه زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی پرداخت. در آستانه انقلاب اسلامی، گفتمان جدید دیگری در مورد زنان مطرح شد و در موضع قدرت قرار گرفت که می‌توان آن را گفتمان انقلاب اسلامی نامید. این گفتمان با نقد گفتمان سنتی و شبه‌مدرن تلاش کرد رویکرد جدیدی در نوع نگاه به زن در ایران مطرح کند. این مقاله در نهایت به این سؤال پاسخ می‌دهد که ویژگی‌ها و محتوای گفتمان انقلاب اسلامی در مورد زنان چیست؟

کدیور [۱۲] در پژوهشی با عنوان «بررسی گفتمان امام خمینی(ره) در مورد زنان»، اظهار می‌دارد که دیدگاه‌های امام خمینی(ره) درباره زنان، در چهار مقطع زمانی مشخص، متناسب با منطبق موقعیت و شرایط روز جامعه دچار تحول و تغییر شده است. در دو مقطع اول، که در اوج اقتدار رژیم پهلوی است، امام با هر نوع حضور و مشارکتی از سوی زنان در جامعه و حوزه سیاسی به دلیل مفسده‌هایی که بر حضور زنان مترتب است، مخالفت کرده‌اند. ایشان در دو مقطع بعدی، که در آستانه حرکت‌های انقلابی و دهه اول تثبیت نظام جمهوری اسلامی است، مشوق و مروج حضور زنان در عرصه سیاسی-اجتماعی جامعه بوده‌اند. در ادامه، به دلایل این تحول دیدگاه در مقاطع مختلف پرداخته شده است.

رحمتی [۱۵] در پژوهشی، به گونه‌شناسی تطبیقی نگرش امام خمینی و فمینیسم رادیکال، در باب کرامت زن پرداخته است. فرضیه این تحقیق آن است که در مورد دفاع از کرامت زن، نگرش اسلامی در خوانش امام خمینی، نسبت به نگرش فمینیستی در خوانش فمینیسم رادیکال غربی، از برجستگی و دفاع‌پذیری بیشتری برخوردار است. در این مقاله، دیدگاه‌های امام خمینی و فمینیسم رادیکال درباره زنان معرفی، آن‌گاه پس از یک بررسی تطبیقی، دلایل برتری نگرش امام بیان شده است.

چارچوب نظری و روشی

تحلیل گفتمان یک رویکرد پساساختارگرایی و ساخت‌گرای اجتماعی است که در مکتب فکری پست‌مدرن ریشه دارد. تئوری پست‌مدرن، که شامل مجموعه‌ای از ایده‌ها برای تبیین و تشریح وضعیت امور جامعه است، به‌منظور تخریب و برهم‌زدن روش‌های معمول فکر کردن افراد درباره نحوه تفسیر معانی و واقعیت‌ها ارائه شده است. بنابراین، می‌توان گفت که تحلیل گفتمان یک رویکرد بین‌رشته‌ای است که در شناخت‌شناسی پساساختارگرایی و ساخت‌گرایی اجتماعی ریشه دارد [۴، ص ۱۶۹].

نظریه گفتمان لاکلا و موف، یکی از روش‌های رایج در تحلیل گفتمان است. این دو متفکر را پسامارکسیست، پساساختارگرا و برخی دیگر پسامدرنیست سوسیالیست نامیده‌اند [۳، ص ۱۸۳؛ ۱۴، ص ۱۳۳-۱۳۴]. لاکلا و موف از طریق بازخوانی و ساختارشناسی نظریه‌های متفکرانی چون مارکس، گرامشی، آلتوسر، فوکو، دریدا، لاکان، سوسور و دیگران، نظریه گفتمان خود را در کتاب *هژمونی و راهبرد سوسیالیستی: به سوی سیاست رادیکال دموکراسی* (۱۹۸۵) شکل داده‌اند [۳، ص ۱۸۳]. براساس این نظریه، کل حوزه اجتماعی شبکه‌ای از فرایندها به شمار می‌آید که معنا درون آن خلق می‌شود [۲۲، ص ۵۴]. رشد این نظریه، تحت تأثیر چرخش زبانی دهه ۱۹۷۰ و نظریه‌های هرمنوتیک، نظریه انتقادی و پساساختارگرایی در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ قرار داشته است [۱۷، ص ۲].

ما در مواجهه با هر گفتمان با چند مفهوم اصلی روبه‌رویم. ابتداً اگر بخواهیم از کل به جزء وارد شویم، با میدان گفتمان مواجهیم؛ جایی که همه نشانه‌ها در آن حضور دارند. این نشانه‌ها انواع مختلفی دارند؛ دال شناور (عنصر)، دال پیرامونی گفتمان (لحظه یا بست)، دال مرکزی و... . دال‌های شناور دچار چندگانگی معنا هستند. گفتمان‌های مختلفی که در داخل میدان گفتمان حضور دارند، تلاش می‌کنند از ابهام و چندمعنایی دال‌های شناور بکاهند و آن‌ها را در داخل خود به صورت «لحظه» مفصل‌بندی کنند و به‌واسطه این مفصل‌بندی می‌توانند رابطه برقرار شده میان دال و مدلول را تثبیت کنند.

در این میان، همه نشانه‌های مفصل‌بندی‌شده در یک گفتمان ارزش برابر ندارند. مهم‌ترین این نشانه‌ها گره‌گاه یا دال مرکزی یا دال برتر است که هسته مرکزی منظومه گفتمانی را تشکیل می‌دهد. سایر نشانه‌ها در اطراف این نشانه نظم می‌گیرند و جاذبه این هسته سایر نشانه‌ها را جذب می‌کند و آن‌ها را در قلمرو جاذبه معنایی خود نگه می‌دارد [۱، ص ۴۶-۴۷].

لاکلا و موف در رابطه با دال مرکزی، خود این‌گونه توضیح می‌دهند که مبنای تولید هر گفتمانی تلاش برای مسلط کردن حوزه گفتمان‌گونگی به منظور توقف جریان تفاوت‌ها و درنهایت ساخت یک مرکز است. ما نقاط گفتمانی مرجح این تثبیت نسبی را نقطه مرکزی (یا دال مرکزی) می‌نامیم. لاکان^۱ بر این تثبیت‌های نسبی از طریق مفهوم نقاط شرحی^۲ (نقاط شرح‌دهنده) یا به بیان دیگر، دال‌های مرجحی که معنای یک زنجیره دلالت‌گرا را تثبیت می‌کند، اصرار داشت. این مرز زبانی زنجیره دلالت‌گر موضعی ایجاد می‌کند که پیش‌بینی را ممکن می‌کند [۱۶، ص ۱۸۳-۱۸۴].

فهم نظریه گفتمان بدون فهم مفاهیم ضدیت^۳ و غیریت^۴ ناممکن است. گفتمان‌ها اساساً در ضدیت و تفاوت با یکدیگر شکل می‌گیرند. هویت‌یابی یک گفتمان صرفاً در تعارض با گفتمان‌های دیگر امکان‌پذیر است. هویت همه گفتمان‌ها منوط و مشروط به وجود غیر است. از این‌رو، گفتمان‌ها همواره در برابر خود غیریت‌سازی می‌کنند [۱۳، ص ۳۴۷]. به نظر شنتال موف، هر اجماعی را می‌توان در راستای یک هژمونی موقت درک کرد که به همراه خود، «نوعی طرد و حذف دیگران را در پی دارد» [۱۸، ص ۸۴].

از نظر هوارث، غیریت‌سازی اجتماعی از سه جهت برای نظریه گفتمان اهمیت دارد: اولاً: خلق رابطه‌ای غیریت‌سازانه که همواره شامل تولید «دشمن» یا «چیزی دیگر» است که این مسئله برای تأسیس مرزهای سیاسی اهمیتی بسزا دارد؛ ثانیاً: تشکیل روابط غیریت‌سازانه و تثبیت مرزهای سیاسی، برای تثبیت جزئی هویت تشکلی‌های گفتمانی و عاملان اجتماعی اهمیتی اساسی دارد؛

1. Jacques Lacan
2. points de caption
3. Antagonism
4. Otherness

ثالثاً: آزمودن غیریت‌سازی مثال خوبی است برای نشان‌دادن محتمل‌الوقوع بودن هویت [۲۱، ص ۱۶۵].

همان‌طور که پیش‌تر توضیح داده شد، نظم گفتمانی که در این پژوهش مطالعه می‌شود، نظم گفتمانی «هویت زنانه» است. نظریه‌های هویت را می‌توان در دو رویکرد مدرن و پسامدرن جای داد. در رویکرد مدرن، تعریف هویت به وسیله عوامل از قبل موجود طبیعی، روانی یا اجتماعی انجام می‌گیرد. این نظریه‌ها شامل دو مقوله کلی است: نظریه‌های جامعه‌شناسان که در این نظریه‌ها هویت ساخته و پرداخته زمان و مکان دانسته می‌شود. دیدگاه تعامل‌گرایان نمادین و دیدگاه جامعه‌شناسانی چون گیدنز در این مقوله جای دارد. در نظریه‌های روان‌شناسان اجتماعی فرایندهای روانی شخص نقشی ضروری در ساخت و پرداخت هویت‌های اجتماعی بازی می‌کنند (گرگن ۱۹۹۶). این دیدگاه عمدتاً با دیدگاه شناخت اجتماعی همپوشی دارد. در رویکرد پسامدرن، این باور وجود دارد که شکل‌گیری و تعریف هویت به دور از دخالت هرگونه عامل از قبل موجود طبیعی، روانی یا اجتماعی انجام می‌گیرد. این رویکرد، که با نظریه گفتمانی شناخته می‌شود، عمدتاً متأثر از ادبیات، زبان‌شناسی و معناشناسی است [۶، ص ۱۳۷]. در رابطه با مناقشات هویت زنانه باید گفت، ساختار سنتی خانواده پدرسالار، که وجه مشخصه آن اقتدار نهادی‌شده مردان در واحد خانواده است، از دهه‌های اخیر قرن بیستم بر اثر افزایش اشتغال، آموزش و آگاهی زنان رو به دگرگونی گذاشته است. دگرگونی‌های وسیع در اقتصاد و افزایش مشارکت زنان در بازار کار و مشاغل درآمدزا، دگرگونی‌های تکنولوژیک در زیست‌شناسی، داروسازی و پزشکی، کنترل بیشتر فرزندزایی و به‌ویژه جنبش‌های فمینیستی دهه‌های اخیر و انتشار سریع اندیشه‌ها در فرهنگ جهانی سبب شده صدای زنان در بیشتر نقاط جهان گسترده شود. این تحولات، به‌ویژه تحولاتی که در ساختار خانواده و نقش‌های زنان رخ داده، زمینه دگرگونی شخصیت و هویت اجتماعی زنان را فراهم کرده است. تعامل تغییرات نهادی و ساختاری یادشده و نهضت‌های اجتماعی زنان، زمینه‌ساز بازاندیشی در ارزش‌ها، آرمان‌ها و درنهایت هویت‌های شخصی و اجتماعی آنان شده است. بر اثر چنین دگرگونی‌هایی، نقش زنان در نهاد خانواده و نهادهای شغلی تغییرات درخور توجهی داشته است و بر اثر پیدایش ارزش‌ها و نگرش‌های جدید و آگاهی زنان، مقاومت‌هایی از جانب آن‌ها، چه در عرصه خانواده و چه در عرصه‌های مختلف اجتماعی، به صورت مبارزات فرهنگی شکل گرفته که اگرچه هسته اصلی آن حاصل جایگاه و هویت‌های اجتماعی جدید زنان است، تثبیت این هویت‌ها را از طریق شناسایی و تأیید دیگران هدف خود قرار داده است [۶، ص ۱۳۵-۱۳۷]. چنین تحولات گسترده‌ای در نظم گفتمانی هویت زنانه و استیلای گفتمان‌های مدرن‌گرا در آن، به نسبت گفتمان‌های سنت‌گرا، که بیانگر پرمنافشه‌بودن این نظم گفتمانی است، اهمیت مطالعه‌ای در باب تحولات هویت زنانه در مقطعی مهم از تاریخ ایران را دوچندان می‌کند. درک چگونگی

واسازی گفتمان رسمی پهلوی دوم توسط امام خمینی(ره) و تلاش برای هژمونیک کردن بست‌های جدید در داخل این نظم گفتمانی، فعالیتی است که پژوهش حاضر در پی آن است. در رابطه با نحوه منطبق کردن تحلیل براساس نظریهٔ پساساختارگرایی لاکلا و موف، با مطالعهٔ گفتمان امام خمینی(ره)، باید گفت که در نوع معرفت‌شناسی که پژوهش حاضر آن را مبنای مطالعهٔ خود قرار داده است، سخنان امام خمینی(ره) به‌منزلهٔ گفتمانی که درصدد هژمونیک کردن معانی خود است، درک می‌شود. این در حالی است که با توجه به معرفت‌شناسی پژوهش حاضر، قراردادی بودن معنا همواره صادق نیست، بلکه روابط انحصاری و واقعی میان نشانهٔ معناها و همچنین معانی اصیل نیز وجود دارد؛ اما چنین نشانه‌هایی عموماً به حوزهٔ معرفت‌شناسی اسلامی، آن هم در وضعیت متون اولیه و اصیل، و فارغ از تفسیر برمی‌گردد و هرگونه برداشت و رای آن می‌تواند فهم را درگیر رویکرد گفتمانی بکند.

عمدتاً نظریه‌های تحلیل گفتمان را هم به‌مثابهٔ روش در نظر می‌گیرند و هم به‌مثابهٔ نظریه، و تفکیک چندان روشنی بین این دو در تحلیل گفتمان وجود ندارد و نمی‌توان این دو را از هم جدا کرد [۲۶]. درحقیقت، همان مفاهیمی که به‌منزلهٔ نظریهٔ مبنای تحلیل قرار می‌گیرد، به‌مثابهٔ روش‌هایی برای تحلیل کنش‌های اجتماعی استفاده می‌شود. به این معنا که آن چارچوبی که به‌طور معمول پژوهش‌ها (بالأخص پژوهش‌های مبتنی بر پیش‌فرض‌های ساختارگرایی) - نظریه به ما می‌دهد و بر مبنای آن از روش‌های مختلف برای رسیدن به نتیجه استفاده می‌شود، در نظریهٔ گفتمان شکسته می‌شود و ما از همان مفاهیم نظریه برای دستیابی به نتیجه استفاده می‌کنیم. در اینجا پژوهش‌گر باید با ابتکار عمل شخصی خود و استفاده از مفاهیم نظریه، که بعضاً به‌عنوان روش هم استفاده می‌شود، به نتیجه دست پیدا کند.

این مسئله بالأخص در نظریهٔ گفتمان لاکلا و موف نمود پیدا می‌کند؛ درواقع، برای تحلیل مبتنی بر این نظریهٔ روش، محقق باید درک جدی و عمیق به موضوع داشته باشد تا بتواند صورت‌بندی‌های گفتمانی را درک کند و دال‌های آن را کشف کند. این در حالی است که رویکردهای دیگر تحلیل گفتمان که مبنای پژوهش‌های بسیاری همچون؛ ادی [۲۳]، مزید [۲۴]، نیکلندر [۲۵]، پلده-الهانان [۲۷] و ووداک [۸۳] و... بوده‌اند، مانند رویکرد تحلیل‌گران انتقادی گفتمان (فرکلاف، ون‌دایک و...) چارچوب مشخص‌تری برای تحلیل دارند که تا حدی از ابتکار عمل توسط محقق می‌کاهد.

در تحلیل گفتمان، رعایت تصادفی بودن در نمونه‌گیری ضرورتی ندارد و نمونه‌گیری به شکل غیرتصادفی هدفمند انجام می‌گیرد. درواقع، در این روش از نمونه‌گیری، محقق باید از مجموعه‌ای که در اختیار دارد تعمداً نمونه‌هایی را برگزیند که با هدف مورد نظر وی بیشترین سازگاری را داشته باشد [۲]، ص ۱۰۶. پژوهش‌گر واحدهای نمونه‌گیری را به شکل ذهنی انتخاب و سعی می‌کند نمونه‌ای که معرف جمعیت باشد گزینش کند. ذهنیت داور است که

احتمال انتخاب یک واحد نمونه‌گیری را برای نمونه معین می‌کند و به لحاظ اینکه نمی‌توان علت قضاوت داوران مختلف را در انتخاب واحد نمونه‌گیری برای نمونه‌ای معرف تعیین کرد، بنابراین تعیین احتمال انتخاب هر واحد نمونه‌گیری غیرممکن است [۹، ص ۲۶۴]. معیار انتخاب نمونه‌ها در این روش، نظر شخصی محقق است که البته این نظر بر تجارب قبلی وی و هدف پژوهش استوار است [۲، ص ۱۰۶].

برای استخراج فرضیه‌های بدیهی انگاشته‌شده گفتمان امام خمینی، به نرم‌افزار «مجموعه آثار امام خمینی(ره)»، که به‌عنوان نرم‌افزار رسمی مرجع کتب تألیف‌شده امام خمینی(ره) است، مراجعه شد. در این نرم‌افزار، واژه «زن» جست‌وجو شد. بدین وسیله، مطالب و عناوین سخنرانی امام خمینی(ره)، که در آن به واژه زن اشاره شده بود، فهرست شد و پژوهش‌گر به‌حسب نمونه‌گیری نظری و ارتباط مطالب با موضوع تحقیق، مطالبی را که با هویت زنانه مرتبط‌تر تشخیص داده شده، انتخاب کرده و بعد از دستیابی به سطحی از اشباع داده، دست به ترسیم مفصل‌بندی این گفتمان زده است. شایان ذکر است نمونه‌های انتخاب‌شده برای تحلیل، از مقطع قبل از انقلاب تا اندکی پس از آن- که می‌توان آن را مقطع «وضعیت انقلابی» نامید- استخراج شده‌اند. فقط دو متن از نمونه‌های مطالعه‌شده به مقطع زمانی پس از انقلاب برمی‌گردد که این متون نیز کارکرد دسترسی به «اشباع بیشتر داده» و فهم گفتمان امام خمینی(ره) در یک وضعیت زمانی طولی را دارد.

در مورد بحث اعتبار و روایی تحلیل گفتمان باید گفت تحلیل گفتمان همواره مسئله‌ای تفسیری بوده است. ما در اینجا مشخصاً با داده‌هایی که در طول تحلیل گفتمان جمع‌آوری شده‌اند، سروکار داریم. پس اعتبار و پایایی یک تحقیق و یافته‌های آن وابسته به بحث‌های منطقی است که وجود دارد. اعتبار تحلیل گفتمان به کیفیت قدرت نطق و بیان وابسته است [۸، ص ۱۲۴].

شایان ذکر است، در تحقیقات کیفی، به جای تأکید بر پایایی و روایی که در تحقیقات کمی رایج است، مفهوم «قابلیت اعتماد» هم کاربرد دارد [۲۰، ص ۱۷۱]. بر این مبنا، در پژوهش حاضر، قابلیت اعتماد براساس رفت و برگشت‌های مداومی که با هدف «بازیابی مسیر کسب اطلاعات» انجام گرفته است، به دست می‌آید [۲۰، ص ۱۱۱-۱۱۲]. همچنین، پژوهش حاضر روایی صوری و نیز روایی محتوایی دارد.

مطالعه یافته‌ها

پیش از ورود به تحلیل گفتمان امام خمینی(ره) در نظم گفتمانی هویت زنانه، ضروری است که به یکی از دیگری‌های مهم این گفتمان، یعنی گفتمان پهلوی دوم، نیز پرداخته شود و درکی از دال‌های گفتمانی و روندهای هژمونیک آن به دست آید. گفتمان پهلوی دوم در مقطعی از

سخنان امام به‌منزله دیگری مستقر و حاکم شناخته می‌شود و در مقطعی دیگر و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، به‌منزله دیگری سقوط کرده و غیرحاکم مورد توجه قرار می‌گیرد. متن تحلیلی که در ذیل ارائه شده است، براساس پژوهش کوثری و نفرشی [۱۵] ارائه می‌شود که در باب گفتمان رسمی پهلوی دوم در حوزه هویت زنانه انجام گرفته است.

گفتمان پهلوی دوم و حاشیه‌رانی هویت‌های مذهبی

تعریف گفتمان رسمی پهلوی دوم در نظم گفتمانی هویت زنانه، بسیار متأثر از سه اپیستمه مهم هژمونیک شده غرب در آن دوره زمانی جغرافیایی است: «آزادی»، «عقلانیت» و «امروزی بودن» که همگی تحت معرفت نهادینه شده تری چون «مدرن بودن» اند و به‌واسطه آن تعریف می‌شوند. هریک از این دال‌های گفتمانی نیز در پیوندی انحصاری با «زن اجتماعی» قرار می‌گیرند. ایده معرفتی آزادی، آغاز تعریف مدرن خود را در جهان با انقلاب کبیر فرانسه و در ایران با دوره مشروطه و به‌عنوان آزادی‌های سیاسی می‌یابد. این دال در طول سال‌ها به‌واسطه اهداف گفتمانی مسلط حکومت‌ها، به حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی نیز بروز کرد و در یک نقطه مهم تاریخی کشف حجاب نیز- که در تاریخ هفدهم دی از سوی حکومت پهلوی اول رقم زده شد- به‌منزله مدلولی بر دال آزادی زنان خودنمایی کرد. به این وسیله، بی‌حجابی زنان ایرانی به‌منزله حق آنان برای آزادی تعریف شد.

معنای گفتمانی «عقلانی بودن»، که در مقابل نگاه خرافه‌آمیز مطرح می‌شود، همچنین «به‌روز بودن»، که در مقابل نگاه سنت‌گرا و با تعریف تخصص‌آمیز «واپس زدگی» نیز مطرح می‌شود، توسط گفتمان حاکم در زمان شاه استفاده می‌شود. این دال‌های مهم گفتمانی نیز از دال‌هایی است که از گفتمان تجددگرا به این دوره کوچ کرده‌اند. بنا به تعریف تجددگرایی و به‌روز بودن در این موقعیت زمانی جغرافیایی، مذهبی و پایبند به شعائر دینی بودن به‌عنوان جزئی از سنت‌گرایی و عقب‌ماندگی در مقابل تحولات تکنولوژیک دوره مدرن تلقی و در مقابل امروزی بودن و عقلانیت تعریف می‌شود. مشخص است که دال تجددگرایی نیز به‌منزله نشانه دیگری از اپیستمه دنیای مدرن مطرح است و در چنین زمانی هر آنچه با این دال خود را پیوندزند، عقب‌مانده معرفی می‌شود.

گفتمان پهلوی دوم، که برای تثبیت هژمونی خود به دیگری‌سازی می‌پردازد، این ابزار غیریت‌ساز خود را در جایی در مقابل کلیت حجاب قرار می‌دهد و در جایی دیگر در مقابل حجاب چادر. به نظر می‌رسد این دو نوع دیگری‌سازی با هدف دو سنخ مخاطب در نظر گرفته شده است. یک نوع کسانی که گفتمان رسمی پهلوی تصور سوژه کردن کامل آن‌ها برای گفتمان خود را در سر می‌پروراند و در مقابل کسانی که این امکان برای آن‌ها حداقلی فرض می‌شود، به‌حسب دیگری‌های گفتمانی، مخاطب ایده دوم کسانی فرض می‌شود که از هویت‌های مذهبی

سرچشمه می‌گیرند. در واقع، گفتمان در اینجا قصد دارد تا حد امکان از تحقق استفاده از دال خالی از سوی گفتمان‌های رقیب جلوگیری کند. استفاده از دال خالی از سوی گفتمان‌های متخاصم می‌تواند به واسازی گفتمان خودی منجر شود و دال «غیرمذهبی بودن تام» یا «مخالفت با حیا» را به خود جلب کند.

همان‌طور که گفته شد، «حجاب» و «حجاب چادر» ایده‌هایی هستند که به‌شدت مورد مذمومیت قرار می‌گیرند. اما فارغ از ایده‌های ذم‌شده از سوی این گفتمان، از جمله هویت‌های گفتمانی که مورد بازنمایی منفی گفتمان پهلوی دوم قرار می‌گیرند، هویت‌های مذهبی و گفتمان‌های کمونیستی‌اند. که در آن دوره بیشتر به‌منزله ارتجاع سرخ و سیاه مطرح می‌شدند؛ همین‌طور گفتمان هرزه‌گرایی غربی. مسئله متخاصم‌سازی گفتمان هرزه‌گرایی غربی هم محل تأمل است. گفتمان پهلوی دوم درصدد ترویج کشف حجاب و مذموم نشان دادن حجاب و بالأخص حجاب چادر است. در این وضعیت، زنان را به فعالیت‌های اجتماعی فرامی‌خواند؛ فعالیت‌هایی که به تعبیرشان «نصف جمعیت را بیدار و وارد جامعه می‌کند». با این مفصل‌بندی، درحقیقت حضور اجتماعی زنان پیوند انحصاری با بی‌حجابی برقرار می‌کند.

در این حال، گفتمان پهلوی دوم در پی ایجاد فضایی استعاری، سعی دارد خود را تا حد امکان از پیوند با گفتمان‌هایی که در جامعه ایران - به‌حسب رویکردهای مذهبی - مورد مذمت قرار می‌گیرند، جدا کند و خود را متمایز از آن‌ها نشان دهد و باز هم به تعبیری «دال خالی» دست گفتمان‌های رقیب ندهد. با توجه به این تفاسیر، گفتمان پهلوی اقدام به دیگری‌سازی گفتمان هرزه‌گرایی غربی می‌کند که به تعبیرشان «رویکردی در میان گفتمان‌های غربی است» - و احتمالاً در این تعبیر چنین گفتمانی با جریان اصلی حاضر در جهان غرب متفاوت است. با این وضعیت، گفتمان‌های غربی عموماً با محوریت مدرن بودن، پیشرفت اجتماعی و... شکل یافته‌اند و فقط در بعضی رویکردها بی‌بندوباری هم جزء نشانه‌های آن قرار می‌گیرد؛ که این‌گونه بازنمایی می‌شود که اولاً گفتمان پهلوی به دنبال چنین رویکردی نیست، ثانیاً زنان ایرانی با توجه به ویژگی‌ها و صفات اخلاقی که دارند، به سمت آن‌ها گرایش پیدا نمی‌کنند. این در حالی است که آنچه هویت‌های مذهبی به‌منزله اندام‌نمایی و برهنگی - به عبارت دیگر هرزگی - تلقی می‌کنند و در انضمام آن - و بدون نشانه و قالب‌گذاری - «پوشیدن لباس‌های حداقلی برای زنان حتی در مقابل افرادی به جز خانواده» است، در این گفتمان موردپسند قرار می‌گیرد و مخالفت با آن رویکرد «قرون وسطایی» و «پارچه‌پیچ کردن» تلقی می‌شود.

در مجموع، می‌توان گفت گفتمان پهلوی دوم، گفتمان مارکسیستی و هویت‌های مذهبی را به‌شدت مورد دیگری‌سازی قرار می‌دهد؛ اما اگر بخواهیم درباره وجه غلبه آن صحبت کنیم، اغلب منازعات گفتمانی که مجله زن روز و سخنرانی‌های شاه پرچمدار آن است، با دیگری‌سازی مذهب و واسازی پیوند آن با هویت زنان مرتبط است. در این وضعیت، وجوه مختلف هویت زنان

که با مذهب - به حساب ریشه‌های گفتمانی پیشین و سنتی جامعه ایران - پیوند خورده است، ساختارشکنی و واسازی می‌شود.

امام خمینی(ره) و واسازی گفتمان پهلوی دوم

در این بخش، سعی شده تا حد امکان ایده‌های گفتمانی در حوزه هویت مطلوب زنانه، که از سوی امام خمینی(ره) مطرح شده، شناسایی شود. این کار با استفاده از سخنان و بیانات «امام خمینی» در دوران «قبل» و «بعد» از انقلاب انجام گرفته است. تحلیل‌های صورت گرفته در این بخش با محوریت هویت مطلوب زنانه انجام شده است و طبیعتاً با توجه به اهداف پژوهش حاضر تنها ایده‌های اصلی گفتمانی بررسی شده‌اند.

امام خمینی(ره)، به عنوان رهبر حرکت انقلابی مردم، در سال‌های متمادی تا تحقق انقلاب، سعی در واسازی و به چالش کشیدن گفتمان رسمی قبل از انقلاب در نظم گفتمانی هویت مطلوب زنانه داشته است.

متن ۱

ایشان در سخنرانی خود در جمع اقشار مختلف مردم در تاریخ ۲۶ فروردین ۱۳۴۳ می‌گویند:

مگر با چهار تا زن فرستادن [به] مجلس، ترقی حاصل می‌شود؟ مگر مردها که تا حالا بودند ترقی برای شما درست کردند تا زن‌هایتان ترقی [درست کنند]؟ ما می‌گوییم این‌ها را فرستادن در این مراکز جز فساد چیزی نیست. شما بعد تجربه کنید ببینید بعد از ده سال، بیست سال، سی سال دیگر، این‌ها را بفرستید، به خیال خودتان، ببینید اگر شما جز فساد چیز دیگری دیدید؟ ما با ترقی زنان مخالف نیستیم، با این فحشا مخالفیم، با این کارهای غلط مخالفیم.^۱

در این گفتار، یکی از الگوهای دلالتی گفتمان رسمی قبل از انقلاب ساختارشکنی شده است. حکومت پهلوی دوم دال‌هایی چون «امروزی‌بودن»، «آزادی» و «حقوق برابر» را در زنجیره هم‌ارزی «موفقیت و رشد زنان» قرار داده بود [۱۵]. در اینجا امام خمینی(ره) به واسازی این امر پرداخته و اخذ معنای «ترقی» را از «فعالیت اجتماعی زنان و فرستادن آنان به مجلس» (مگر با چهار تا زن فرستادن به مجلس ترقی حاصل می‌شود؟)، به امر سیاسی بدل کرده است. در این وضعیت «ترقی» و «پیشرفت» به عنوان دال اخذ شده از گفتمان تجدد را نیز، در داخل گفتمان خود مفصل‌بندی کرده و فقط زمانی که تعریف آن با مؤلفه‌های چیزی به نام

۱. سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم، ۲۶ فروردین ۱۳۴۳، مکان: قم، مسجد اعظم، موضوع: «تحلیلی از قیام ۱۵ خرداد، عملکرد دولت و رسالت علما و روحانیون»، مناسبت: آزادی امام خمینی از زندان، حضار: علما، روحانیان، بازاریان، دانشجویان و اقشار مختلف مردم (صحیفه امام، ج ۱، ص ۳۰۵).

«فحشا» (ما ترقی زنان مخالف نیستیم، با این فحشا مخالفیم) همراه می‌شود. که به نظر ایشان در زمان پهلوی رخ می‌داده است. مخالفت ابراز شده است.

متن ۲

همچنین، در هجدهم آبان ۱۳۵۷، فقط چند ماه قبل از انقلاب، در مصاحبه با مجله هفتگی *آمستردام نیوروو هلند* درباره حکومت اسلامی در پاریس، گفته‌اند:

در نظام اسلامی، زن به‌عنوان یک انسان می‌تواند مشارکت فعال با مردان در بنای جامعه اسلامی داشته باشد، ولی نه به صورت یک شیء. نه او حق دارد خود را به چنین حدی تنزل دهد و نه مردان حق دارند که به او چنین بیندیشند.^۱

در این سخنرانی نیز مفصل‌بندی که امام خمینی (ره) از گفتمان اسلام در رابطه با زن ارائه می‌دهد، «مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی» جزئی از گفتمان اسلام تلقی شده است؛ اما نه در همراهی آن با شیء‌وارگی.

متن ۳

در گفتاری دیگر، امام خمینی (ره) در همان تاریخ (۱۸ آبان ۱۳۵۷) و در سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج از کشور در پاریس، می‌گویند:

اسلام می‌خواهد که زن و مرد رشد داشته باشند. اسلام زن‌ها را نجات داده است از آن چیزهایی که در جاهلیت بود. آن قدری که اسلام به زن خدمت کرده، خدا می‌داند به مرد خدمت نکرده؛ آن قدر که به زن خدمت کرده. شما نمی‌دانید که در جاهلیت زن چه بوده و در اسلام چه شده. حالا هم این‌ها دارند از جاهلیت بدتر می‌کنند. آن وقت آن‌ها بی‌اهمیت می‌کردند، حالا ایشان می‌فرمایند که زن باید لعیه باشد! زن باید - نمی‌دانم - چه باشد. یک همچو حرفی که به کرامت زن برمی‌خورد. اعتقاد ایشان درباره زن این است که باید - یک تعبیر سوئی کرده بود - این طوری باشد! اسلام می‌خواهد زن این جور نباشد. اسلام می‌خواهد زن مثل - همان طوری که مرد همه کارهای اساسی را می‌کند زن هم بکند، اما نه اینکه زن یک چیزی بشود که آقا دلشان می‌خواهد که بزرگ کرده بیاید توی جامعه و با مردم چه بشود، مخلوط بشود. با جوان‌ها آن جور مخلوط! این‌ها را جلو می‌خواهد بگیرد اسلام. می‌خواهد زن را حیثیت و احترامش را حفظ کند؛ می‌خواهد شخصیت به زن بدهد که از این شیئیت بیرون بیاید. این‌ها می‌خواهند بفروشند، از این دست به آن دست کنند؛ این را مخالف است اسلام. با زن

۱. مصاحبه با مجله هفتگی *آمستردام نیوروو هلند* درباره حکومت اسلامی، زمان: ۱۸ آبان ۱۳۵۷، مکان: پاریس، نوفل لوشاتو، موضوع: «چگونگی حکومت در جمهوری اسلامی»، مصاحبه‌کننده: خبرنگار مجله هفتگی *آمستردام نیوروو هلند* (صحیفه امام، ج ۴، ص ۴۱۴).

مخالف است اسلام؟! اسلام به زن خدمتی کرده است که در تاریخ همچو سابقه‌ای ندارد. اسلام زن را از توی لجنزارها برداشته آورده شخصیت به او داده، اسلام با زن مخالف است؟! این‌ها تبلیغات است.^۱

در این گفتار، حق «حضور در فعالیت‌های اجتماعی برای زن و برابر با مردان» در نظر گرفته شده است. اما این نوع فعالیت‌ها به تعریفی مشخص وضع شده است. «اختلاط با مردان» و «آرایش کردن» از تعریف «فعالیت اجتماعی و شغلی زنان» به حاشیه رفته است و رعایت این موارد در زنجیره هم‌ارزی دیگری چون «حفظ حیثیت و احترام زنان» در نظر گرفته شده است. این یعنی فعالیت‌های اجتماعی زنان با حفظ شرایط پیش‌گفته، به حفظ حیثیت و احترام زنان منجر می‌شود. در اینجا امام خمینی(ره) درصدد است پیوند گفتمانی را که حکومت پهلوی دوم در بازنمایی خود از گفتمان سنت‌گرایی اسلامی ایجاد کرده بود واسازی کند. این پیوند، این‌گونه مفصل‌بندی شده بود که گفتمان سنت‌گرایی اسلامی برای فعالیت اجتماعی زنان مشروعیت قائل نیست؛ اما امام خمینی(ره) با مفصل‌بندی این دال با رویکرد اسلامی خود و لحاظ شرایطی برای آن (عدم اختلاط)، سعی دارد تا حد امکان جلوی استفاده از کارکرد دال خالی از سوی گفتمان رقیب خود را بگیرد. در همین نقطه است که امام خمینی(ره) در کنار ساختار شکنی بازنمایی گفتمان رقیب از گفتمان خود، سعی در بی‌ثبات کردن دال‌های گفتمان رقیب نیز می‌کند؛ و حضور و فعالیت زنان در اجتماع بدون رعایت موازین اسلامی را مساوی با شیء بودن زنان و رعایت‌نشدن حیثیت و ارزش آن‌ها تلقی می‌کند.

با توجه به اینکه مسئله برابری زنان، فعالیت‌های اجتماعی زنان و شغل آن‌ها، در چارچوب جنبش‌های فمینیستی در غرب به‌منزله یکی از خواسته‌های اصلی مطرح شده بود و در جهان مدرن یکی از اصول پذیرفته‌شده به حساب می‌آمد، همچنین گفتمان‌های عمومی زنان در ایران هم - حتی بعضاً رویکردهای مذهبی - این امر را به‌منزله اپیستمه‌ای همگانی پذیرفته بودند، گفتمان امام خمینی(ره) نیز چندان در این حوزه به منازعه گفتمانی نپرداخته است. همان‌طور که فوکو بیان کرده، یکی از ویژگی‌های احکام و اپیستمه‌ها این است که در صورت نقض شدن، شامل مجازات تلقی می‌شود و احکام یادشده در حوزه زنان، آن‌چنان قوت داشته است که در صورت عمل‌نشدن به آن، ممکن بود بخشی از مردم ایران با انقلاب همراه نشوند.

به نظر می‌رسد دغدغه امام خمینی(ره) با چنین سخنانی این بوده است که اسلام را همگام با اپیستمه‌هایی چون آزادی زنان، مشارکت اجتماعی زنان در جامعه و ترقی و توسعه نشان دهد و به قرائتی از اسلام تمسک جسته است که با این اپیستمه‌ها تعارضی نداشته باشد. تنها خط قرمزی که در این میان بیان شده، مسئله فساد و تنزل شأن زنان - با تعاریفی نه‌چندان مشخص -

۱. سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج، زمان: ۱۸ آبان ۱۳۵۷، مکان: پاریس، نوفل لوشاتو، موضوع: «شاه، مجرم واقعی است»، حضار: دانشجویان و ایرانیان مقیم خارج (صحیفه امام، ج ۴، ص ۴۲۷-۴۲۸).

است؛ که این مسائل در گفتمان امام خمینی (ره) نیز مفصل‌بندی شده است. این در حالی است که چنین قرائتی از اسلام، بروز جدی در گفتمان‌های پیشینی و تاریخی برگرفته از اسلام نداشته است.

متن ۴

همچنین، امام خمینی (ره) در سخنرانی خود در جمع بانوان قم در تاریخ ۱۳ اسفند ۱۳۵۷ در مدرسه فیضیه قم، گفته‌اند:

زن باید در سرنوشت خودش دخالت داشته باشد. زن‌ها در جمهوری اسلام رأی باید بدهند. همان طوری که مردان حق رأی دارند، زن‌ها حق رأی دارند. (...) این‌ها می‌خواستند زن را مثل شیء، مثل یک چیز، مثل یک متاع به این دست و آن دست بگذارند. اسلام زن را مثل مرد در همه شئون - در همه شئون - همان طوری که مرد در همه شئون دخالت دارد زن هم دخالت دارد. همان طوری که مرد باید از فساد اجتناب کند، زن هم باید از فساد اجتناب کند. زن‌ها نباید ملعبه دست جوان‌های هرزه بشوند. زن‌ها نباید مقام خودشان را منحط کنند و خدای ناخواسته بزک کرده بیرون بیایند و در انظار مردم فاسد قرار بگیرند. زن‌ها باید انسان باشند. زن‌ها باید تقوا داشته باشند. زن‌ها مقام کرامت دارند. زن‌ها اختیار دارند؛ همان طوری که مردها اختیار دارند.

خداوند شما را با کرامت خلق کرده است، آزاد خلق کرده است. خداوند همان طوری که قوانینی برای محدودیت مردها در حدود اینکه فساد بر آن‌ها راه نیابد دارد، در زن‌ها هم دارد. همه برای صلاح شماست. همه قوانین اسلامی برای صلاح جامعه است. آن‌ها که زن‌ها را می‌خواهند ملعبه مردان و ملعبه جوان‌های فاسد قرار بدهند خیانت‌کارند. زن‌ها نباید گول بخورند؛ زن‌ها گمان نکنند که این مقام زن است که باید بزک کرده بیرون برود با سر باز و لخت! این مقام زن نیست؛ این عروسک بازی است نه زن. زن باید شجاع باشد؛ زن باید در مقدرات اساسی مملکت دخالت بکند. زن آدم‌ساز است؛ زن مربی انسان است. (...) همه ملت ایران، همه ملت ایران - چه بانوان و چه مردان - باید این خرابه‌ای که برای ما گذاشته‌اند بسازند. با دست مرد تنها درست نمی‌شود؛ مرد و زن باید با هم این خرابه را بسازند.^۱

متن ۵

ایشان در ۲۶ اردیبهشت ۱۳۵۸ در پیامی رادیو تلویزیونی به ملت ایران درباره مقام و منزلت حقیقی زن نیز بیان کرده‌اند:

۱. سخنرانی در جمع بانوان قم، زمان: ۱۳ اسفند ۱۳۵۷، مکان: قم، مدرسه فیضیه، موضوع: «زن از دیدگاه اسلام»، حضار: هزاران تن از بانوان قم (صحیفه امام، ج ۶، ص ۳۰۰-۳۰۱).

(...) در یک موقع دیگر، در ایران ما، زن مظلوم شد؛ و آن دوره شاه سابق بود و شاه لاحق؛ به اسم اینکه زن را می‌خواهند آزاد کنند، ظلم کردند به زن، ظلم‌ها کردند به زن؛ زن را از آن مقام شرافت و عزت که داشت پایین کشیدند. زن را از آن مقام معنویت که داشت شیء کردند، به اسم آزادی آزاد زنان و آزاد مردان. آزادی را از زن و مرد سلب کردند. زن‌ها و جوانان ما را فاسد الاخلاق کردند. شاه برای زن این خاصیت را قائل بود که شاه می‌گفت زن باید «فریبا» باشد!

(...) زن یک همچو موجودی است که می‌تواند یک قدرت شیطانی را بشکند. این زن را در این دوره رضاخان و محمد رضا خان منحنط کردند از مقام خودش. مرد را هم منحنط کردند. جوان‌ها را هم منحنط کردند. مراکز فحشا الی ماشاءالله برای جوان‌های ما درست کردند به اسم «آزادی»، به اسم «پیشرفت»، به اسم «تمدن»! جوان‌های ما را به فحشا کشیدند. به اسم آزادی، همه آزادی‌ها را از ماها سلب کردند. (...) با اسم‌های فریبنده، با الفاظ بزک‌کرده مملکت ما را رو به خرابی بردند.^۱

امام خمینی(ره) تأکید جدی خود را بر «فعالیت اجتماعی و سیاسی زن»، به‌منزله جزئی از هویت مطلوب زنانه قرار می‌دهد. این مسئله با الگوهای دلالتی چون «زن باید در سرنوشت خودش دخالت کند»، «حالا هم باز باید سهیم باشید؛ و هر وقت اقتضا بکند نهضت کنید، قیام کنید» مطرح می‌شود.

در این وضعیت، بر «یکسان بودن فعالیت‌های اجتماعی زن با مرد» تأکید بسیاری می‌شود (اسلام زن را مثل مرد در همه شئون - در همه شئون - همان طوری که مرد در همه شئون دخالت دارد، زن هم دخالت دارد)، (با دست مرد تنها درست نمی‌شود؛ مرد و زن باید باهم این خرابه را بسازند). قید همیشگی امام در این وضعیت نیز وجود دارد؛ تأکید بر «عدم آرایش در فعالیت‌های اجتماعی» (زن‌ها نباید مقام خودشان را منحنط کنند و خدای ناخواسته بزک‌کرده بیرون بیایند و در انظار مردم فاسد قرار بگیرند). به‌عنوان مظهری از «فساد» و «منحنطشان» طرح می‌شود. هویت مطلوب زنانه برای امام خمینی، هویتی است که دین را ملاک و معیار خود قرار داده و به مؤلفه‌های دینی عمل کند. «دینی عمل کردن» در این گفتمان به معنای «انسان بودن» و «حفظ‌کننده کرامت زن» تعریف می‌شود (زن‌ها باید انسان باشند. زن‌ها باید تقوا داشته باشند. زن‌ها مقام کرامت دارند). همان‌طور که در بخش انتهایی پاراگراف اول متن ۴ مشاهده می‌شود، امام در این بخش نیز بر «حقوق برابر مردان و زنان» به‌منزله یکی از دال‌های گفتمانی خود در نظم گفتمانی هویت مطلوب زنانه تأکید مجدد می‌کند (زن‌ها اختیار دارند؛ همان‌طوری که مردها اختیار دارند).

۱. پیام رادیو تلویزیونی به ملت ایران، زمان: ۲۶ اردیبهشت ۱۳۵۸، مکان: قم، موضوع: «مقام و منزلت حقیقی زن»، مناسبت: میلاد مسعود حضرت فاطمه(س) و روز زن، مخاطب: ملت مسلمان ایران (صحیفه/امام، ج ۷، ص ۳۳۸-۳۴۰).

در این بین، دال شناور «آزادی» نیز در گفتمان امام قرار می‌گیرد؛ که این «آزادبودن» در پرتو دیدگاه الهی حاصل می‌شود (خداوند شما را با کرامت خلق کرده است، آزاد خلق کرده است). مشخص است که تعریفی که امام از آزادی دارد با محدودیت‌هایی همراه است، چنان‌که خود امام اشاره می‌کند. اما وی این محدودیت‌ها را به «صلاح زن» معرفی می‌کند، «همانند محدودیت‌ها برای مرد» و در جهت محوریت «عدم فساد» (خداوند همان‌طوری که قوانینی برای محدودیت مردها در حدود اینکه فساد بر آن‌ها راه نیابد دارد، در زن‌ها هم دارد. همه برای صلاح شماسست).

همچنین، امام خمینی در صورتی که زن «بزرگ کرده بیرون برود با سر باز و لخت»، این وضعیت را مخالف هویت مطلوب و مقام زن بازنمایی می‌کند (زن‌ها گمان نکنند که این مقام زن است که باید بزرگ کرده بیرون برود با سر باز و لخت! این مقام زن نیست) و در مقابل «شجاع» بودن و «دخالت در مقدرات اساسی مملکت» (زن باید شجاع باشد؛ زن باید در مقدرات اساسی مملکت دخالت بکند) را به‌منزله هویت مطلوب تعریف می‌کند. هویت زنانه‌ای که امام مورد بازنمایی قرار می‌دهد، در بالاترین شأن خود، به‌عنوان «آدم‌ساز» و «مربی انسان» (زن آدم‌ساز است؛ زن مربی انسان است) معرفی می‌شود.

امام خمینی (ره) در بخشی از سخنان خود، به شکل واسازانه‌ای به ساختارشکنی از معانی گفتمانی مطلوب دوره پهلوی اقدام می‌کند. درحقیقت، وی پیوندزدن معرفت‌های بنیادین به نشانه‌های مورد نظر گفتمان پهلوی را به چالش می‌کشد (با اسم‌های فریبنده، با الفاظ بزرگ کرده مملکت ما را رو به خرابی بردند)، (مراکز فحشا الی ماشاءالله برای جوان‌های ما درست کردند به اسم «آزادی»، به اسم «پیشرفت»، به اسم «تمدن»! جوان‌های ما را به فحشا کشیدند. به اسم آزادی، همه آزادی‌ها را از ماها سلب کردند). در اینجا می‌توان به این نکته نیز اشاره کرد که به‌واقع گفتمان‌ها می‌توانند در عین به کار بردن دال شناوری چون «آزادی» معنایی کاملاً متفاوت از معنای عرفی برای آن در نظر بگیرند؛ به گونه‌ای که در چنین حالتی می‌توان گفت «آزادی» در «غیرآزادی»- به لحاظ معنای عرفی- تعریف شده است. نکته دیگر اینکه امام خمینی (ره) با دیگری‌سازی و بازنمایی از گفتمان متخاصم خود، درواقع به‌نوعی هویت گفتمانی خود را نیز تعریف کرده است- براساس قاعده‌ای که گفتمان‌ها با بازنمایی گفتمان رقیب به توصیف هویت گفتمانی خود نیز می‌پردازند. به این معنا آزادی، پیشرفت و تمدن به‌عنوان دال‌های شناوری هستند که جزئی از مفصل‌بندی گفتمان رهبری جمهوری اسلامی نیز قرار می‌گیرد. این مسئله چیزی است که در پاراگراف دیگری از سخنان امام نیز مشاهده می‌شود:

به اسم اینکه زن را می‌خواهند آزاد کنند ظلم کردند به زن، ظلم‌ها کردند به زن... زن را از آن مقام معنویت که داشت شیء کردند، به اسم آزادی آزاد زنان و آزاد مردان. آزادی را از زن و مرد سلب کردند. زن‌ها و جوانان ما را فاسدالاخلاق کردند. شاه برای زن این خاصیت را قائل بود که شاه می‌گفت زن باید «فریبا» باشد!

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، قائل به «شیءبودگی زنان» به گفتمان رقیب نسبت داده می‌شود، این در حالی است که گفتمان پهلوی نیز همین بازنمایی را از گفتمان سنت و مذهب در قبل از انقلاب داشته است [۱۵]. همچنین، امام خمینی(ره) در این گفتار مورد اهمیت قرار دادن زیبایی و جذابیت برای زن را امری نامطلوب برای زن تلقی می‌کرده است (شاه برای زن این خاصیت را قائل بود که شاه می‌گفت زن باید «فریبا» باشد). این در حالی است که در گفتمان پهلوی دوم، این معنای گفتمانی از معانی مورد نظر در نظم گفتمانی هویت مطلوب زنانه بوده است [۱۵].

متن ۶

امام خمینی(ره) در سخنرانی خود درباره «اهمیت نقش والای زنان در جامعه»، در تاریخ ۲۵ اسفند ۱۳۵۹، بیان کرده‌اند:

(...) نقش زن در جامعه بالاتر از نقش مرد است؛ برای اینکه بانوان علاوه بر اینکه خودشان یک قشر فعال در همه ابعاد هستند، قشرهای فعال را در دامن خودشان تربیت می‌کنند. خدمت مادر به جامعه از خدمت معلم بالاتر است و از خدمت همه کس بالاتر است.

(...) برای بانوان سرتاسر کشور و مردان سرتاسر کشور، تحولی که پیدا شده، آن ارزشی که امروز در کشورهای اسلامی و خصوصاً در کشور ایران پیدا شده است، این است که در رژیم سابق شأن و مرتبت عبارت از آرایش مهووع و لباس‌های کذا و منزلگاه‌های کذا بود؛ و امروز ارزش، ارزش انسانی است. ارزش اخلاقی است. ارزش انسانی است به واسطه همین تحول در قشر بانوان. دیگر آن‌هایی که با آرایش‌های فاسد و لباس‌های فاخر می‌خواستند فخرفروشی کنند در بین جامعه نسوان ما محکوم‌اند و خجالت‌زده‌اند.

(...) جامعه ما از بانوان - یعنی بعضی بانوان - زمان محمدرضا و رضاخان برگشتند به یک بانوانی که زینب‌گونه شدند و تابع فاطمه. آن روز تابع آرایش اروپایی بودند و اینکه باید از اروپا طرح لباس بیاید. امروز تابع مکتب هستند و آنچه اسلام بیسندد مقبول است. (...)^۱

در این گفتمان، برای زن «فعالیت اجتماعی و نقش اجتماعی» قائل شده است و این نقش هم‌وزن یا بالاتر از مردان تصویر شده است. امام خمینی(ره) تربیت فرزندان را به منزله نشانه‌ای برای تأیید این دال مطرح می‌کند (نقش زن در جامعه بالاتر از نقش مرد است؛ برای اینکه

۱. سخنرانی در جمع بانوان مؤسسه ۱۲ فروردین قم، زمان: ۲۵ اسفند ۱۳۵۹، مکان: تهران، جماران، موضوع: «توطئه‌های رژیم سابق برای بانوان - اهمیت نقش والای زنان در جامعه - پرهیز از دامن‌زدن به اختلافات»، حضار: بانوان مؤسسه ۱۲ فروردین قم (صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۱۹۷-۱۹۸).

بانوان علاوه بر اینکه خودشان یک قشر فعال در همه ابعاد هستند، قشرهای فعال را در دامن خودشان تربیت می‌کنند. خدمت مادر به جامعه از خدمت معلم بالاتر است، و از خدمت همه‌کس بالاتر است).

در یکی از جملات یادشده، امام خمینی(ره) به ترسیم زنجیره هم‌ارزی در ارتباط با حکومت پهلوی می‌پردازد (در رژیم سابق شأن و مرتبت عبارت از آرایش مهووع و لباس‌های کذا و منزلگاه‌های کذا بود... دیگر آن‌هایی که با آرایش‌های فاسد و لباس‌های فاخر می‌خواستند فخرفروشی کنند، در بین جامعه نسوان ما محکوم‌اند و خجالت‌زده‌اند). در این وضعیت، به غیریت‌سازی گفتمان متخاصم و بی‌اعتبار کردن دال‌های گفتمانی مؤکد حکومت سابق چون «آرایش کردن به‌عنوان نمودی از زیبایی»، «توجه به مد کردن» و... [۱۵] پرداخته می‌شود و قصد این است که این معانی دوباره به محل منازعه کشیده شود. این گفتمان درصدد است تا با به چالش کشیدن این معانی گفتمانی، زنجیره خود را ترسیم کرده و معانی گفتمانی بعد از انقلاب را «ارزش» توصیف کند و صفت «اخلاقی» و «انسانی» برای توصیف آن به کار برد (امروز ارزش، ارزش انسانی است، ارزش اخلاقی است، ارزش انسانی است).

در این وضعیت، با توجه به پیش‌فرض‌ها و اصالت دادن جامعه ایران درباره گزاره‌هایی چون «زینب‌گونه شدن» و «تابع فاطمه(س) بودن» (جامعه ما از بانوان - یعنی بعضی بانوان - زمان محمدرضا و رضاخان برگشتند به یک بانوانی که زینب‌گونه شدند و تابع فاطمه(س))، ارزش‌های فعلی - به نسبت حکومت قبل - تابع اسلام بودن تعریف می‌شود؛ در چنین حالتی، «پیروی از مد و آرایش اروپایی» در گفتمان متخاصم قرار می‌گیرد (آن روز تابع آرایش اروپایی بودند و اینکه باید از اروپا طرح لباس بیاید. امروز تابع مکتب هستند و آنچه اسلام بپسندد مقبول است).

متن ۷

ایشان در سخنرانی در جمع اعضای ایرانی کنفرانس نیمه دهه زن در کپنهاک (کشف حجاب) به تاریخ ۱۹ شهریور ۱۳۵۹ در حسینیه جماران گفته‌اند:

(...) قضیه کشف حجاب یک مطلبی نبود که این‌ها می‌خواستند زن‌ها را، مثلاً ده میلیون زن را، بیاورند در جامعه وارد کنند. این‌ها یک دستوراتی بود که این‌ها می‌گرفتند از خارج و برای اسارت ما اجرا می‌کردند. (...) اما من تلخی این کشف حجابی که این‌ها کردند و اسمشان را بعداً «آزاد زنان و آزاد مردان» پسر رضا خان گذاشت، من تلخی‌اش باز در ذائقه‌ام هست.

(...) و این هم برای این بود که این جوان‌ها را، جوان‌های غافل، زن و مرد را وارد کنند در میدان و سرگرمشان کنند به هم و از اساس مسائل این‌ها غافل باشند. همچو مراکز فحشایی که این‌ها درست کردند که از تهران تا آخر تجریش صدها مراکزی بود

که مال عشرتکده و امثال ذلک بود، همه این‌ها دیدید که زنانه بود. لهدا، جوان‌های ما، ملت ما اصلاً دیگر توجه به مسائل اساسی که باید بکنند نداشت. نه مردش، نه زنش، نه مردها آزاد بودند و نه زن‌ها آزاد بودند، اسمش را گذاشته بودند «آزاد مردان و آزاد زنان»! این اساسی بود که از اول رضاخان که انگلیس‌ها - خدا لعنتشان کند- او را آوردند به ایران و او را وادار کردند به این مسائل و بعدش هم دنبالش شعراشان و نمی‌دانم نویسندگانشان و رسانه‌های گروهی‌شان را.

(...) امروز باید خانم‌ها وظایف اجتماعی خودشان را و وظایف دینی خودشان را عمل بکنند و عفت عمومی را حفظ بکنند و روی آن عفت عمومی کارهای اجتماعی و سیاسی را انجام بدهند. نه مثل سابق که فرض کنید این‌ها یک زنی را هم وارد می‌کردند در مجلس، اما چه زنی بود و چه کار می‌خواست بکند. حالا هم وارد شدند بعضی خانم‌ها در مجلس، این ورود غیر آن ورود است، آن یک ورودی بود، این هم یک ورود.

گفتمان رسمی دوره شاه، کشف حجاب را به‌عنوان بروز نهضت آزادی زنان و نمودی از امروزی‌بودن تعریف کرده بود [۱۵]. امام خمینی(ره) در گفتار فوق سعی در واسازی این پیوند گفتمانی دارد و کشف حجاب را به‌منزله «دستوری که از خارج می‌گرفتند برای اسارت ما» تعریف می‌کند و با توجه به مذمومیت «دستور از خارج گرفتن» و «خارجی‌بودن» به‌منزله یک معنای گفتمانی مذموم عینیت‌یافته، کشف حجاب را به چالش می‌کشد. این اقدام همان کنش گفتمانی است که شاه نیز در سخنرانی‌های خود استفاده کرده است. در این وضعیت، گفتمان متخاصم به «خارجی‌بودن» متهم می‌شود تا اعتبار گفتمانی آن به‌حسب مطلوبیت و اصالت‌داشتن امری چون «منافع ملی»، در ذهنیت عمومی جامعه زیر سؤال رود.

همچنین، در این سخنرانی، امام خمینی(ره) پیوند دال «کشف حجاب» به «آزاد زنان و آزاد مردان» را با کنش گفتمانی «خارجی‌بودن»، «فحش‌بودن» و «غافل‌بودن» پاسخ می‌دهد و بدین‌وسیله سعی در بی‌اعتبارکردن آن دارد. اقدام اساسی در این وضعیت جداکردن دال «کشف حجاب» از «آزادی» است (نه مردش، نه زنش، نه مردها آزاد بودند و نه زن‌ها آزاد بودند، اسمش را گذاشته بودند «آزاد مردان و آزاد زنان»!).

بعد از دیگری‌سازی، که مطابق نظریه گفتمان، یکی از کنش‌های گفتمانی برای هویت‌سازی خود است؛ امام خمینی(ره) سعی در بیان معانی ایجابی گفتمان خود می‌کند. طبق نظریه گفتمان، گفتمان‌ها از طریق بیان دیگری (سلبی)، و بیان خود (ایجابی) سعی در هویت‌سازی برای خود می‌کنند.

در وضعیت ایجابی، هویت مطلوب زنانه در زنجیره هم‌ارزی انجام «وظایف اجتماعی» و

۱. سخنرانی در جمع اعضای ایرانی کنفرانس نیمه دهه زن در کپنهاک (کشف حجاب)، زمان: ۱۹ شهریور ۱۳۵۹. مکان: تهران، حسینیه جماران، موضوع: «کشف حجاب»، توطئه انگلیس‌ها، حضار: شرکت‌کنندگان ایرانی در کنفرانس دهه زن در کپنهاک (صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۱۹۱-۱۹۳).

«وظایف دینی» (باید خانم‌ها وظایف اجتماعی خودشان را و وظایف دینی خودشان را عمل بکنند) تعریف شده است. همچنین، قیدی که بر این اعمال گذاشته شده است، حفظ «عفت عمومی» (و عفت عمومی را حفظ بکنند و روی آن عفت عمومی کارهای اجتماعی و سیاسی را انجام بدهند) است؛ دال گفتمانی که قید امام خمینی (ره) در بسیاری از کنش‌های زنانه است. در چنین حالتی، مانند سخنرانی‌های دیگر، فعالیت اجتماعی، جزئی از گفتمان امام خمینی (ره) در نظم گفتمانی هویت مطلوب زنانه قرار می‌گیرد. این فعالیت اجتماعی، فعالیت خُرد و در سطح پایین تصور نمی‌شود، بلکه حتی «فعالیت در مناصب مهم حکومتی» چون مجلس، نیز شامل می‌شود. این در حالی است که امام خمینی (ره) بلافاصله با استفاده از زنجیره تفاوت، «به مجلس وارد شدن زنان در جمهوری اسلامی» را متفاوت از «به مجلس وارد شدن زنان در حکومت پهلوی دوم» می‌داند:

این‌ها یک زنی را هم وارد می‌کردند در مجلس، اما چه زنی بود و چه کار می‌خواست بکند. حالا هم وارد شدند بعضی خانم‌ها در مجلس، این ورود غیر آن ورود است. آن یک ورودی بود، این هم یک ورود.

مفصل‌بندی گفتمان امام خمینی (ره) در وضعیت انقلابی و پساانقلابی

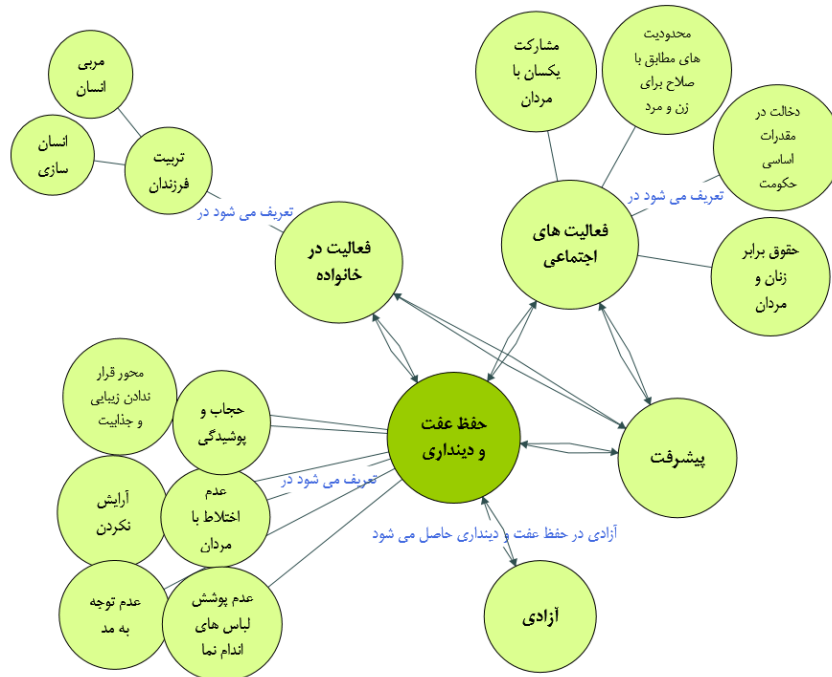
در نظم گفتمانی هویت زنانه

دال مرکزی گفتمان امام خمینی، که از گفتمان اسلام گرفته شده است، «حفظ عفت و دینداری» است. این دال قید و رنگ‌دهنده به همه معانی گفتمان امام خمینی (ره) در حوزه زنان است.

در شکل ۲، مفصل‌بندی دال‌های اصلی این گفتمان ترسیم شده است. در ادامه نیز، به توصیف و تفسیر مفصل‌بندی گفتمان امام خمینی (ره) در نظم گفتمانی هویت مطلوب زنانه خواهیم پرداخت.

همان‌طور که گفته شد، دال مرکزی گفتمان بعد از انقلاب، که از گفتمان اسلام گرفته شده است، «حفظ عفت و دینداری» است. فعالیت اجتماعی زنان در این گفتمان مجاز شمرده می‌شود، اما با ذکر این گزاره که «در اسلام این چنین است»، که ارجاعی است به مسئله دین و دینداری و مشخص‌کننده بودن آن. در زمانی نیز که بناست تعریف از فعالیت اجتماعی شود، با قید دینداری و حفظ شئون دین اسلام است که این معنای گفتمانی تعریف می‌شود. در واقع، آن نوعی از فعالیت اجتماعی مورد تأیید قرار می‌گیرد که با حفظ پوشیدگی و فارغ از زیبایی و جذابیت زنانه باشد. در این گفتمان، زن به هیچ‌وجه نباید با دال‌هایی چون زیبایی و جذابیت— آنچه در گفتمان قبل از انقلاب تعریف می‌شد— تعریف شود، بلکه توجه به این مسئله (زیبابودن

زن) به منزله «شیءواره» بودن زن تلقی می‌شود. همچنین، فعالیت اجتماعی باید فارغ از روابط مختلط میان جنسیتی باشد، تا جامعه دچار «فساد» نشود. در واقع «دینداری» در زنجیره تفاوت «فساد» و هم‌ارزی «صلاح» قرار می‌گیرد.



شکل ۱. مفصل‌بندی گفتمان ایران انقلابی و بعد از انقلاب در نظم گفتمانی هویت مطلوب زنانه

بر همین اساس، به جای دال گفتمانی هژمونیک‌شده زیبایی و جذابیت-به‌حسب اپیستمه‌های گفتمانی مدرنیسم در حوزه زنان- دال گفتمانی «پوشیدگی زن» در این گفتمان مفصل‌بندی شده است و برخلاف گفتمان‌های مدرن‌گرا، آرایش کردن، لاغر بودن و... نه تنها در زنجیره هم‌ارزی زیبایی قرار نمی‌گیرد، بلکه متفاوت از آن بر عدم «جلوه‌نمایی زنان» و لزوم «پوشیدگی» آنان تکیه می‌شود.

با توجه به دال «عدم اختلاط زن و مرد» و ترکیب آن با دال «فعالیت اجتماعی»، می‌توان گفت روابط میان جنسیتی در این گفتمان بسیار محدود مورد پذیرش قرار می‌گیرد و در حداقل آن- برای افراد غیرمحرم- تعریف می‌شود. با درکی از انضمام آنچه می‌توان درباره معنای «فعالیت اجتماعی» فهم کرد، ارتباط حداقلی زنان و مردان در آن انکارناپذیر است، اما به نظر می‌رسد این گفتمان درباره حدود و ثغور این ارتباط صحبت می‌کند؛ به گونه‌ای که این ارتباط

نباید فارغ از ضرورت‌های اقتضایی فعالیت اجتماعی زنان انجام شود و نشانه «اختلاط زن و مرد» را بروز دهد.

در این وضعیت، نشانه دیگری که مرتبط با دال روابط میان‌جنسیتی باشد، و در این گفتمان بتوان مشاهده کرد، تأکید بر «خانواده و اهمیت زن در خانواده» است. این تعریف با تعبیری چون «زن انسان‌ساز است» توصیف می‌شود. واضح است که در چنین فضایی علاوه بر تأکید بر «نقش زن در خانواده»، بر «فرزندپروری» وی تأکید جدی می‌شود. در اینجا نیز رنگ دین‌داری را می‌توان به این صورت ملاحظه کرد که زن «باید فرزندان در چارچوب دین پرورش دهد». در این فضا روابط میان‌جنسیتی موسع فقط در درون خانواده معنا می‌دهد و در خارج از آن مخلوط‌شدن زن و مرد با یکدیگر و «فساد» تلقی می‌شود.

دال‌های شناور «آزادی» و «پیشرفت» نیز در این گفتمان مفصل‌بندی شده‌اند، اما معنایی که به آن‌ها داده شده است، مشخصاً مبتنی بر دال مرکزی «حفظ عفت و دینداری» است. امام این‌گونه تصویر می‌کند که ترقی و پیشرفت کردن جزئی از مؤلفه‌های اسلامی‌بودن نیز است، اما اسلام با توجه به «صلاح» زنان، قیودی برای آن‌ها تعیین کرده است که موافق «مقام، منزلت و شأن زن» است و نگه‌دارنده آن‌هاست. به همین سبب، ترقی و آزادی در حول دال مرکزی دینداری معنادهی می‌شود و نوعی از آزادی تعریف می‌شود که دین تعیین کرده است؛ با حفظ صلاح زنان و برای به فساد کشیده نشدن آن‌ها.

با توجه به مفصل‌بندی گفتمانی صورت‌گرفته، چند گزاره دیگر را نیز می‌توان استخراج کرد: دینداری در گرو فعالیت‌های اجتماعی و فعالیت‌های زن در خانواده است. در این حال، فعالیت‌های اجتماعی و فعالیت‌های زن در خانواده نیز با حفظ عفت و دینداری مطلوب تلقی می‌شود. پیشرفت نیز در حفظ عفت و دینداری و در فعالیت‌های اجتماعی و فعالیت‌های زن در خانواده حاصل می‌شود. یکی از مفاهیم اساسی در مجموع فعالیت زنان در خانواده، تربیت فرزندان است که در این گفتمان به سبب اهمیتی که برای آن قائل است، تعریف انسان‌سازی به خود می‌گیرد. آزادی نیز در این مفصل‌بندی در عین حفظ عفت و دینداری تعریف می‌شود. در این گفتمان، برخلاف گفتمان‌های پیشین در این نظم گفتمانی، اصراری بر ارجاع این دال به دال‌های دیگری چون فعالیت‌های اجتماعی، پیشرفت و... نمی‌شود.

تعریفی که این گفتمان از فعالیت اجتماعی زنان دارد، با مفاهیمی چون مشارکت یکسان با مردان، محدودیت‌های مطابق با صلاح برای هم زنان و هم مردان، دخالت زنان در مقدرات اساسی حکومت و حقوق برابر زنان و مردان در این فعالیت‌ها عجین می‌شود. همچنین، حفظ عفت و دینداری در زنجیره هم‌ارزی حجاب و پوشیدگی، عدم اختلاط با مردان، عدم پوشش لباس‌های بدن‌نما، محورنبودن زیبایی برای هویت زنانه، آرایش‌نکردن و عدم توجه به مد تعریف می‌شود؛ درواقع، چنین تعریفی از حفظ عفت و دینداری است که به‌منزله دال مرکزی، بقیه دال‌ها را در حول خود نظم می‌دهد.

شایان ذکر است، با توجه به استخراج نمونه‌های مطالعه‌شده از دو دوره وضعیت انقلابی و دوره بعد از انقلاب، انسجام جدی میان دال‌های گفتمانی مطرح‌شده در دو دوره مشاهده می‌شود و متون مطالعه‌شده در وضعیت پساانقلابی حاکی از اشباع داده‌های وضعیت انقلابی است.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با مطالعه سخنانی‌های امام خمینی(ره)، تصویری از چگونگی واسازی مفصل‌بندی هویت زنانه، در گفتمان پهلوی دوم، که از سوی امام خمینی(ره) انجام گرفته است، را ارائه کرد. در کنار نمایش لحظه واسازی، سعی شده است مفصل‌بندی گفتمانی امام خمینی(ره) در این حوزه نیز به صورت مبسوط‌تر تشریح شود. گفتمان امام خمینی(ره)، گفتمان پهلوی را با «خارجی‌بودن»، «قائل به شیء بودن زنان»، «موافقت با فحشا» و بالاخص به عنوان گفتمانی که «عفت و دینداری زن را مورد حاشیه‌رانی قرار داده» معرفی می‌کند و معتقد است گفتمان پهلوی با طرح شعارهایی چون «حرکت به سوی ترقی و پیشرفت»، «طرفداری از آزادی زنان»، «احترام برای زنان»، «برابری زنان و مردان» و «تمدن‌مدار بودن» تلاش دارد زنان را سوژه گفتمان خود کند و دال گفتمانی «حفظ عفت و دینداری» را در نسبت با زنان در حاشیه قرار دهد.

درواقع، مسئله اصلی امام خمینی(ره) در نسبت با گفتمان پهلوی دوم در همین دال گفتمانی (حفظ حیا و دینداری) ظهور پیدا می‌کند که، به اعتقاد امام خمینی(ره)، پهلوی دوم به واسطه مفصل‌بندی‌های گفتمانی‌اش، حرمت و احترام زن را - که در رویکردهای اسلامی بر آن تأکید شده - از بین برده و او را به‌عنوان شیء و ملعبه مورد استفاده قرار داده است. برای درک بهتر این منازعه، لازم است به مفصل‌بندی این دو گفتمان در بستر گفتمان‌های کلان‌تری چون «سنت» و «مدرنیته» در ایران اشاره‌ای شود. گفتمان جمهوری اسلامی در نظم گفتمانی زن مطلوب، سعی دارد میان دو گفتمان «سنت» [یا به تعبیری دیگر گفتمان نشئت‌گرفته از اسلام با تلفیقی از رویکردهای بومی جامعه ایران] و «مدرنیته» پیوند برقرار کند. این وضعیتی است که سلطانی [۷] نیز در گفتمان‌شناسی خود از نظام سیاسی در ایران، آن را شناسایی کرده بود. گفتمان تجدد، به‌عنوان بومی‌شده گفتمان مدرنیسم در جامعه ایران، با انقلاب مشروطه و بعدها با اصلاحات رضاشاه و سنت‌زدایی وی از جامعه، به فضای معنایی ایران وارد شد. این گفتمان با رشد و بسط معنایی خود توانست بخش‌های زیادی از جامعه ایران را سوژه گفتمان خود کند. با روند روبه‌رشد بسط معنایی دال‌های این گفتمان در بافت جامعه ایران، پیروان رویکرد سنت‌گرایی مذهبی، که روحانیان شیعه از طلایه‌داران آن بوده‌اند، سعی در واسازی این گفتمان و معانی انسدادیافته آن کردند. در این حال، با سقوط نظام شاهنشاهی و وقوع انقلاب اسلامی در ایران، امام خمینی(ره) با وضعیتی در حوزه زنان روبه‌رو شد که حاصل

دو رویداد بود ۱. وضعیت متفاوت و جدید جامعه ایران- در حال حرکت در جهت رویکردهای اسلامی؛ ۲. و از طرف دیگر مواجهه با بافت معنایی که ماحصل هژمونی سالیان متمادی گفتمان‌های مدرن‌گرا در حوزه زنان بوده است. در این وضعیت، وی براساس ایجاد رابطه‌ای دیالکتیک میان این دو رویداد، دست به ایجاد سنتزی برای مفصل‌بندی جدیدی از هویت زنانه در موقعیت «پسانقلابی» می‌زند؛ سنتزی که قاعداً نباید اپیستمه‌های دنیای مدرن در حوزه زنان را مخدوش کند و از طرف دیگر به اصول فقه سنتی شیعه وابسته باشد. در این حال، بعضی دال‌های گفتمان مدرنیته- مانند «فعالیت اجتماعی»، «فعالیت سیاسی زنان» و «آزادی و پیشرفت زنان»- در داخل گفتمان امام با تعاریفی جدید و وابسته به دال مرکزی «حفظ عفت و دینداری» صورت‌بندی می‌شود.^۱

ارتباط برقرار کردن میان دو رویکرد سنت و مدرنیته وضعیتی است که امام خمینی (ره) در ابتدای انقلاب سعی داشت میان آن دو ارتباط برقرار کند؛ یعنی برقراری ارتباط میان قرائتی از اسلام که با بخشی از اپیستمه‌های جهانی هماهنگ است. ماحصل این ایده تشکیل «جمهوری اسلامی» به‌عنوان کشوری اسلامی با رویکردی مردم‌محور- برگرفته از گفتمان مدرن‌گرا^۲ و معتقد به اصالت دموکراسی- شده است.

در چنین وضعیتی، تعبیر بر سر اینکه قرائت اسلامی که مطابق دنیای مدرن است تا کجا می‌تواند مطابق گزاره‌های جهانی باشد، در دوره بعد از امام با اختلاف مواجه شد. امام خمینی (ره) با شخصیت کاریزماتیک خود [۷] و قوه اجتهاد نسبتاً ساختارشکنی که در مقابل فقه سنتی پیش از خود داشت، توانسته بود ارتباط‌هایی میان اسلام و گفتمان مدرنیته برقرار کند. اما با فوت امام، این قوه اجتهاد دچار چالش شد و تنها کسی که شخصیت کاریزماتیک

۱. کدیور در مطالعه خود به دنبال دلایل دیگری برای این تحول گفتمانی در امام به نسبت فقه سنتی اسلامی می‌گردد. همان‌طور که پیش‌تر مطرح شد، وی اظهار می‌کند دیدگاه‌های امام خمینی در چهار مقطع زمانی مشخص، متناسب با منطق موقعیت و شرایط روز جامعه، دچار تحول و تغییر شده است. درحالی‌که در دو مقطع اول، که در اوج اقتدار رژیم پهلوی است، امام با هر نوع حضور و مشارکتی از سوی زنان در جامعه و حوزه سیاسی به دلیل مفسده‌هایی که بر حضور زنان مترتب است، مخالفت کرده‌اند. ایشان در دو مقطع بعدی که در آستانه حرکت‌های انقلابی و دهه اول تثبیت نظام جمهوری اسلامی است، مشوق و مروج حضور زنان در عرصه سیاسی- اجتماعی جامعه بوده‌اند [۱۲].

درواقع، کدیور مسئله تحول گفتمانی امام را ماحصل تغییر موقعیت فرض می‌کند، درحالی‌که پژوهش حاضر تأثیر تغییر موقعیت را بر این تحول معنایی تنها عامل تلقی نمی‌کند، بلکه یکی از علت‌های مهم این تحول گفتمانی را به علت جلوگیری از چالش با معرفت‌های بنیادین مدرنیته، که در سوژه‌های انسانی جامعه ایران نهادینه شده است، می‌داند.

۲. گفتمان‌های سیاسی حاضر در بافت گفتمانی جمهوری اسلامی، هیچ‌کدام اصالت امر خود را در گفتمان مدرن پیگیری نمی‌کنند، بلکه به حسب قرائتی از اسلام، که با اپیستمه‌های حاکم بر جهان هماهنگی دارد، تنها بعضی گزاره‌ها از دنیای مدرن را می‌پذیرند و فی‌نفسه برای آن‌ها اعتبار قائل نیستند.

مورد قبول گروه‌های سیاسی موجه در جمهوری اسلامی را برای اجتهاد داشت، از دست رفت. در چنین وضعیتی، گفتمان‌های سیاسی داخل در نظام جمهوری اسلامی با قرائت‌های متفاوت سعی کردند «اجتهادهای پیش‌کرده» امام در حوزه‌های مختلف را تعبیر و تفسیر کنند. به همین جهت، گفتمان‌هایی چون اصلاح‌طلبی با محور قرار دادن گزاره‌ای چون «احکام باید متناسب با زمان و مکان اجرایی شود» و با ارجاعات حدیثی و فقهی آن، سعی در امتزاج بیشتر گفتمان اسلام و مدرنیته داشته‌اند.

در این میان، گفتمان اصول‌گرایی نیز با توسل به فقه سنتی و گزاره‌های مذهبی دیگر، سعی در هژمونیک‌کردن ایده «مطلوبیت فقه سنتی و نگاه حداقلی به تفسیر اسلام متناسب با جهان روز» داشته است و به محافظه‌کاری در این امر معتقد بوده‌اند. در این وضعیت است که دال‌های گفتمانی چون آزادی، توسعه و عقلانیت، در گفتمان اصلاح‌طلبی به واسطه قرائت‌هایی اسلام‌پذیر مطرح می‌شود و به تبع آن، نگاه این گفتمان به زن مطلوب نیز براساس برابری جنسیتی، برابری شغلی (برگرفته از گفتمان فمینیستی که به شکل هژمونیک‌شده درآمده)، عقلانیت، تجربه‌گرایی (برگرفته از گزاره‌های عصر روشنگری و به‌منزله منطق حاکم بر آن)، و آزادی زنان در انتخاب پوشش تعریف می‌شود.

در این وضعیت، به‌حسب اپیستمه‌بودن گزاره‌های عصر مدرن، گفتمان اصول‌گرایی بسیار سخت می‌تواند با چنین ایده‌های مسلطی به منازعه برخیزد و به همین سبب سعی می‌کند آن‌ها را نیز در گفتمان خود قرار دهد، اما با تعریفی دیگر و نگاهی حداقلی به آن و براساس دال مرکزی اسلام براساس فقه سنتی.

شایان ذکر است، گفتمان امام خمینی(ره) در حوزه زنان هویت زنانه را در قالب دو نقش اساسی تعریف می‌کند. ۱. نقشی که به‌عنوان یک فعال اجتماعی و سیاسی و حاضر در اجتماع تعریف می‌شود؛ ۲. نقشی که به‌عنوان یک مادر برای تربیت فرزند و ارائه به جامعه مطرح می‌شود. جالب آنجاست که این دو نوع نقش برای هویت زنانه در گفتمان پهلوی دوم نیز مورد توجه بوده است، اما در جزئیات مفصل‌بندی‌ها تفاوت‌ها آشکار می‌شود؛ مثلاً، محمدرضا شاه در گردهمایی بانوان در برابر کاخ مرمر به مناسبت فرمان دادن حق رأی به بانوان ایرانی چنین سخنانی را ایراد می‌کند که کاملاً با مسئله حضور اجتماعی زنان مرتبط است:

زنان... در زندگی محدود اجتماعی... وارد شدند... تمام افراد این مملکت، از این پس در امور اجتماعی خود شرکت خواهند کرد...
همین‌طور در بخش دیگری از همین سخنرانی پهلوی دوم به نقش تربیت فرزند اشاره می‌کند:

به‌خصوص نسل‌های آینده را که شما مادران باید در آغوش خود تربیت بکنید [۱۵].

در این وضعیت، متون فوق قابل مقایسه با این سخنان امام خمینی(ره) درباره فعالیت اجتماعی زنان است:

اسلام زن را مثل مرد در همه شئون - در همه شئون - همان طوری که مرد در همه شئون دخالت دارد زن هم دخالت دارد... با دست مرد تنها درست نمی‌شود؛ مرد و زن باید باهم این خرابه را بسازند.

و همین‌طور این سخن امام درباره نقش تربیت فرزندان در جامعه:

نقش زن در جامعه بالاتر از نقش مرد است؛ برای اینکه بانوان علاوه بر اینکه خودشان یک قشر فعال در همه ابعاد هستند، قشرهای فعال را در دامن خودشان تربیت می‌کنند. خدمت مادر به جامعه از خدمت معلم بالاتر است و از خدمت همه کس بالاتر است.

به نظر می‌رسد با توجه به اپیستمه‌بودن این دو نقش (یعنی نقش «مادری» و نقش «فعال اجتماعی»)، تخطی از پایبندبودن به آن دو، از سوی هیچ‌یک از گفتمان‌ها جایز تلقی نشده و فقط در تعاریف و جزئیات با یکدیگر تفاوت پیدا می‌کنند. یکی از این تفاوت‌ها تأکید جدی‌تر امام خمینی (ره) بر حضور زنان در فعالیتهای سیاسی به‌منزله یکی از نمودهای فعالیت اجتماعی است. این در حالی است که در گفتمان پهلوی دوم دال فعالیت اجتماعی بیشتر به سمت فعالیت شغلی و فعالیتهای دیگر غیرسیاسی گرایش دارد. ارتباط با مردان در فعالیتهای اجتماعی در گفتمان امام خمینی (ره) به صورت حداقلی و اقتضایی در نظر گرفته می‌شود. این در حالی است که گفتمان پهلوی با مسئله‌ای به نام مذمومیت ارتباط یا اختلاط زن و مرد به‌هیچ‌وجه درگیر نیست. به غیر از این مسئله و مهم‌تر از باقی دال‌ها، تأکید بر حفظ عفت در فعالیتهای اجتماعی است که در گفتمان امام خمینی (ره) اهمیت بسیاری دارد و به‌منزله دال مرکزی شناخته می‌شود، اما در گفتمان محمدرضا شاه نمود بسیار کمی دارد و بسیار مبهم و غیرجدی بدان پرداخته شده است.

با توجه به مباحثی که مطرح شد و سخنان امام خمینی (ره) در نظم گفتمانی هویت مطلوب زنانه، مشخص شد که مهم‌ترین مرجع و اصالت در گفتمان ایشان به اسلام برمی‌گردد؛ در واقع باید گفت اسلام و دلالت‌های آن به‌منزله گزاره‌ای بنیادین در موقعیت جغرافیایی ایران حاکم و حاضر است. در چنین حالتی، رجوع به منابعی دست‌اول از اسلام برای فهم قرائت اسلام از این نظم گفتمانی خالی از وجه نیست؛ گرچه در اینجا فقط سعی شده است نگاهی خلاصه‌وار و معطوف به اهداف پژوهش حاضر نسبت به این مسئله داشته باشیم.^۱

حضرت محمد(ص) پیامبر اسلام در حدیثی می‌فرماید:

با زنان به خاطر زیبایی‌شان ازدواج نکنید، زیرا ای بسا زیبایی آن‌ها موجب تباهی و هلاکتشان شود. برای مال و ثروت نیز با آنان ازدواج نکنید، زیرا چه بسا مال و ثروتشان آنان را به طغیان و سرکشی وادارد، بلکه براساس دینداری با آن‌ها ازدواج کنید.^۲

۱. در این بخش، فقط چند دال اصلی اسلام در این نظم گفتمانی بررسی شده است و ادعایی در زمینه جامع و مانع بودن آن وجود ندارد.

۲. میزان/الحکمه، ج ۵، ص ۸۷.

ایشان در حدیثی دیگر می‌فرمایند:

ای مردم از گیاهانی که در مزبله می‌روید پرهیز کنید. گفته شد: منظور از این گیاهان چیست؟ فرمودند: زن زیبایی که در خانواده بدی نشو و نما کرده باشد.^۱

پیامبر اسلام در نظم گفتمانی زن مطلوب بر چیزی جز زیبایی تأکید دارد و بعضاً محور قرار دادن زیبایی را در انتخاب همسر، خطرناک توصیف می‌کند.

اهمیت دال مرکزی دینداری و مؤمن‌بودن- در حوزه زن مطلوب- در اسلام، تا جایی است که در آیاتی صریح از قرآن، حتی ازدواج با «زن بنده مؤمن» را ارجح بر ازدواج با «زن آزاد کافر» می‌داند.

و با زنان مشرک و بت پرست، تا ایمان نیاورده‌اند، ازدواج نکنید! (اگرچه جز به ازدواج با کنیزان، دسترسی نداشته باشید، زیرا) کنیز باایمان از زن آزاد بت پرست بهتر است؛ هرچند (زیبایی، یا ثروت، یا موقعیت او) شما را به شگفتی آورد. و زنان خود را به ازدواج مردان بت پرست تا ایمان نیاورده‌اند، درنیاورید! (اگرچه ناچار شوید آن‌ها را به همسری غلامان باایمان درآورید، زیرا) یک غلام باایمان از یک مرد آزاد بت پرست بهتر است؛ هرچند (مال و موقعیت و زیبایی او) شما را به شگفتی آورد. آن‌ها دعوت به سوی آتش می‌کنند و خدا دعوت به بهشت و آمرزش به فرمان خود می‌نماید و آیات خویش را برای مردم روشن می‌سازد شاید متذکر شوند!^۲

همان‌طور که مشاهده شد، احادیث یادشده تا حد زیادی ارجحیت دال مرکزی «حفظ عفت و دینداری» در گفتمان امام خمینی(ره) را، که به نسبت رویکردهای اسلامی تعبیه شده است، تأیید می‌کند، اما اینکه این تطابق در چه سطح ظرافت‌هایی قرار دارد یا دینداربودن در چه شاخص‌هایی تعریف پیدا می‌کند و اینکه آیا فقط با تطابق نشانه‌ای مواجهیم، یا تطابق معنایی کامل یا ناقصی وجود دارد و هم اینکه آیا دال‌های دیگر گفتمان امام نیز چنین تطبیقی را شامل می‌شوند، از مسائلی است که بررسی آن برای پژوهش‌های بعدی پیشنهاد می‌شود.

گذر از درک ریشه‌های گفتمان امام خمینی(ره) در نظم هویت زنانه و تحولات گفتمانی آن در گروه‌های سیاسی بعد از دوره حضور امام خمینی یکی از نتایج پژوهش حاضر، فهم روند و اساسی امام خمینی(ره) از پیوندهای گفتمانی دوره پهلوی دوم در حوزه زنان بوده است. با توجه به تحلیل صورت‌گرفته از گفتمان امام خمینی، درکی از ماهیت دال مرکزی گفتمان ایشان یعنی «حفظ عفت و دینداری» و سویه منفی مقابل آن، یعنی «فساد و بی‌عفتی زنان» انجام گرفت. در کنار آن مبارزه با محور قرار دادن زیبایی و جذابیت و اختلاط زن و مرد برای هویت زنانه، مورد توجه قرار گرفت. در اینجا درواقع ابتدا تشنج در تثبیت معانی گفتمانی

۱. الکافی، ج ۵، ص ۳۳۲.

۲. بقره/ ۲۲۱.

پهلوی دوم در نظم گفتمانی هویت زنانه ایجاد و بست‌های معانی این گفتمان ساختارشکنی شده است. سپس مفصل‌بندی جدیدی از هویت زنانه ارائه شده است. چنین فهمی می‌تواند راهگشای مطالعات گفتمان‌شناسی در درک ریشه‌های گفتمان رسمی نظام جمهوری اسلامی در حوزه هویت زنانه نیز باشد؛ و هم اینکه به ما بگوید این گفتمان در مقابل چه دیگری‌هایی ظهور و بروز پیدا کرده است.

در پایان، شایان ذکر است آنچه مطالعه حاضر به‌عنوان پیشنهاد پژوهشی مطرح می‌کند این است که تا چه حد گفتمان امام خمینی (ره) در نظم گفتمانی هویت زنانه توانسته است در موقعیت زمانی جغرافیایی بست خود- و حاشیه‌رانی گفتمان رقیب- یا در زمان حال جمهوری اسلامی، پیوند نشانه معنایی خود را نزد بافت معنایی و ذهنیت عمومی مردم تثبیت کند. در این ضمن، سؤال دیگری نیز پدیدار می‌شود؛ گفتمان امام خمینی (ره) تا چه حد با روابط نشانه معنای نظم گفتمانی هویت زنانه، در حاکمیت فعلی جمهوری اسلامی، هماهنگی دارد؟ که پاسخ به این سؤالات تابع پژوهش‌های گفتمان‌شناسی دیگری است.

عناوین سخنرانی‌های تحلیل‌شده از امام خمینی (ره)

۱. سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم، ۲۶ فروردین ۱۳۴۳، مکان: قم، مسجد اعظم، موضوع: «تحلیلی از قیام ۱۵ خرداد، عملکرد دولت و رسالت علما و روحانیون»، مناسبت: آزادی امام خمینی از زندان، حضار: علما، روحانیان، بازاریان، دانشجویان و اقشار مختلف مردم (صحیفه امام، ج ۱، ص ۳۰۵).
۲. مصاحبه با مجله هفتگی *آمستردام نیورو هلند*، درباره حکومت اسلامی، زمان: ۱۸ آبان ۱۳۵۷، مکان: پاریس، نوفل لوشاتو، موضوع: «چگونگی حکومت در جمهوری اسلامی»، مصاحبه‌کننده: خبرنگار مجله هفتگی *آمستردام نیورو هلند*، (صحیفه امام، ج ۴، ص ۴۱۴)؛
۳. سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم خارج، زمان: ۱۸ آبان ۱۳۵۷، مکان: پاریس، نوفل لوشاتو، موضوع: «شاه، مجرم واقعی است»، حضار: دانشجویان و ایرانیان مقیم خارج (صحیفه امام، ج ۴، ص ۴۲۷-۴۲۸)؛
۴. سخنرانی در جمع بانوان قم، زمان: ۱۳ اسفند ۱۳۵۷، مکان: قم، مدرسه فیضیه، موضوع: «زن از دیدگاه اسلام»، حضار: هزاران تن از بانوان قم، (صحیفه امام، ج ۶، ص ۳۰۰-۳۰۱)؛
۵. پیام رادیو تلویزیونی به ملت ایران، زمان: ۲۶ اردیبهشت ۱۳۵۸، مکان: قم، موضوع: «مقام و منزلت حقیقی زن»، مناسبت: میلاد مسعود حضرت فاطمه (س) و روز زن، مخاطب: ملت مسلمان ایران (صحیفه امام، ج ۷، ص ۳۳۸-۳۴۰)؛
۶. سخنرانی در جمع بانوان مؤسسه ۱۲ فروردین قم، زمان: ۲۵ اسفند ۱۳۵۹، مکان: تهران، جماران، موضوع: «توطئه‌های رژیم سابق برای بانوان- اهمیت نقش والای زنان در جامعه-

پرهیز از دامن زدن به اختلافات». حضار: بانوان مؤسسه ۱۲ فروردین قم (صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۱۹۷-۱۹۸)؛

۷. سخنرانی در جمع اعضای ایرانی کنفرانس نیمه دهه زن در کپنهاک (کشف حجاب). زمان: ۱۹ شهریور ۱۳۵۹، مکان: تهران، حسینیه جماران، موضوع: «کشف حجاب، توطئه انگلیس‌ها». حضار: شرکت‌کنندگان ایرانی در کنفرانس دهه زن در کپنهاک (صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۱۹۱-۱۹۳).

منابع

- [۱] حاجی‌یوسفی، امیرمحمد؛ عارف‌نژاد، ابولقاسم (۱۳۹۰). «تشریح‌شناسی گفتمان در اسلام سیاسی و مردم‌سالار آیت‌الله سیستانی»، فصل‌نامه پژوهش‌نامه علوم سیاسی، ش ۲۴، ص ۴۱-۷۴.
- [۲] حسینی پاکدهی، علیرضا؛ زردار، زرین (۱۳۹۰). «بازنمایی مفهوم شهروندی در مطبوعات ایران تحلیل گفتمان انتقادی سرمقاله‌های روزنامه‌های کیهان، ایران، رسالت، اعتماد، شرق و آفتاب یزد»، فصل‌نامه علوم اجتماعی (دانشگاه علامه طباطبائی)، ش ۵۳، ص ۹۳-۱۳۴.
- [۳] حسینی سروری، نجمه؛ طالبیان، حامد (۱۳۹۲). «بازنمایی هویت طبقه متوسط مدرن شهری در آثار مصطفی مستور (تحلیل گفتمان رمان‌های استخوان‌خوک و دست‌های جدامی و من‌گنجشک نیستیم)»، فصل‌نامه مطالعات فرهنگ و ارتباطات، س ۱۴، ش ۵۳، ص ۱۷۹-۲۱۴.
- [۴] دانایی‌فرد، حسن؛ نوری، علی (۱۳۹۰). «گفتمانی بر تحلیل گفتمان در مطالعات سازمانی: تأملی بر مبانی نظری و اسلوب اجرا»، فصل‌نامه روش‌شناسی علوم انسانی، س ۱۷، ش ۶۹، ص ۱۶۳-۱۹۲.
- [۵] رحمتی، حسینعلی (۱۳۸۶). «کرامت زن در اسلام و غرب مورد پژوهی تطبیقی امام خمینی و فمینیسم»، فصل‌نامه علمی پژوهشی متین، دوره ۹، ش ۳۶، ص ۷۱-۹۵.
- [۶] ساروخانی، باقر؛ رفعت‌جاه، مریم (۱۳۸۳). «عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در بازتعریف هویت اجتماعی زنان»، فصل‌نامه پژوهش زنان، دوره ۲، ش اول، ص ۷۱-۹۱.
- [۷] سلطانی، سید علی اصغر (۱۳۹۱). قدرت، گفتمان و زبان (سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران)، تهران: نی.
- [۸] صالحی‌زاده، عبدالهادی (۱۳۹۰). «درآمدی بر تحلیل گفتمان میشل فوکو؛ روش‌های تحقیق کیفی»، فصل‌نامه معرفت فرهنگی اجتماعی، س ۲، ش ۳، ص ۱۱۳-۱۴۱.
- [۹] فرانکفورد، چاوا؛ نجمیاس، دیوید (۱۳۸۱). «روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی»، ترجمه باقر ساروخانی، فاضل لاریجانی و رضا فاضلی، تهران: سروش.

- [۱۰] فوزی، یحیی (۱۳۸۷). «زنان و حکومت دینی در ایران؛ بررسی پیامدهای گفتمان انقلاب اسلامی در مورد جایگاه سیاسی-اجتماعی زنان در ایران»، فصل‌نامه علمی پژوهشی متین، ش ۳۹، ص ۴۷-۶۰.
- [۱۱] قاسمی، زهرا و دیگران (۱۳۹۵). «تأثیر عفاف در قدرت‌یابی زنان در جامعه سیاسی ایران (با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران)»، فصل‌نامه زن و جامعه، دوره ۷، ویژه‌نامه، ص ۴۳-۵۴.
- [۱۲] کدیور، جمیله (۱۳۸۷). «بررسی گفتمان امام خمینی در مورد زنان»، فصل‌نامه علمی پژوهشی متین، ش ۳۹، ص ۶۱-۷۶.
- [۱۳] کسرای، محمدسالار؛ پوزش شیرازی، علی (۱۳۸۸). «نظریه گفتمان لاکلا و موفه ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی»، فصل‌نامه سیاست، دوره ۳۹، ش ۳، ص ۳۳۹-۳۶۰.
- [۱۴] کلانتری، عبدالحسین (۱۳۹۰). *تحلیل گفتمان از سه منظر زبان‌شناختی، فلسفی و جامعه‌شناختی*، تهران: جامعه‌شناسان.
- [۱۵] کوثری، مسعود؛ تفرشی، امیرعلی (۱۳۹۶). «هویت زنانه در گفتمان پهلوی دوم؛ مطالعه موردی مجله زن روز و سخنرانی‌های محمدرضا شاه درباره زنان»، فصل‌نامه تحقیقات فرهنگی/ایران، در حال انتشار.
- [۱۶] لکلاو، ارنستو؛ موفه، شانتال (۱۳۹۲). *هژمونی و استراتژی سوسیالیستی؛ به سوی سیاست دموکراتیک رادیکال*، ترجمه محمد رضایی، تهران: ثالث.
- [۱۷] مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۸۷). «تحلیل فرهنگ سیاسی در ایران معاصر براساس رهیافت گفتمانی»، فصل‌نامه مطالعات سیاسی، دوره ۱، ش ۱، ص ۱-۱۶.
- [۱۸] میرزایی، حسین؛ پروین، امین (۱۳۸۹). «نمایش دیگری جایگاه غرب در سفرنامه‌های دوره ظهور مشروطیت»، فصل‌نامه تحقیقات فرهنگی، ش ۹، ص ۷۷-۱۰۶.
- [۱۹] نیکخواه قمصری، نرگس؛ صادقی فسائی، سهیلا (۱۳۹۱). «زنان فراتر از نقش‌های سنتی: بررسی جایگاه زن در کلام امام خمینی(ره)»، فصل‌نامه زن در فرهنگ و هنر، دوره ۴، ش ۲، ص ۵-۲۴.
- [۲۰] ویمر، راجر دی؛ دومینیک، جوزف آر. (۱۳۸۹). *تحقیق در رسانه‌های جمعی*، ترجمه کاووس سید امامی، تهران: سروش و مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای.
- [۲۱] هوارث، دیوید (۱۳۷۷). «نظریه گفتمان»، فصل‌نامه علوم سیاسی، ترجمه سید علی‌اصغر سلطانی، ش ۲، ص ۱۵۶-۱۸۲.
- [۲۲] یورگنسن، ماریانه؛ فیلیپس، لوئیز ج. (۱۳۸۹). *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.
- [23] Addie, Elizabeth & Brownlow, Charlotte. (2014). "Deficit and asset

- identity constructions of single women without children living in Australia: An analysis of discourse". *Feminism Psychology*, 24, PP 423-439.
- [24] M. Mazid, Bahaa-eddin. (2008). "Cowboy and misanthrope: a critical (discourse) analysis of Bush and bin Laden cartoons". *Discourse & Communication*, 2(4), PP 433-457.
- [25] Niklander, Stefanie & Other. (2015). "Female gender representations in digital mass media via discourse analysis: A case study". in *the Articles collection 10th Iberian Conference on Information Systems and Technologies (CISTI 2015)*, PP 1458-1463.
- [26] Paul Gee, James. (1999). "Discourse Analysis, Theory and Method". *New York and London: Routledge*.
- [27] Peled-Elhanan, Nurit. (2010). "Legitimation of massacres in Israeli school history books". *Discourse & Society*, 21(4), PP 377-404.
- [28] Wodak, Ruth. (2010). "The glocalization of politics in television: Fiction or reality?". *European Journal of Cultural Studies*, 13(1), PP 43-62.